

مصلحت و جمهوریت عاملان دوام دولت اسلامی در ایران

فرنام شکیبافر

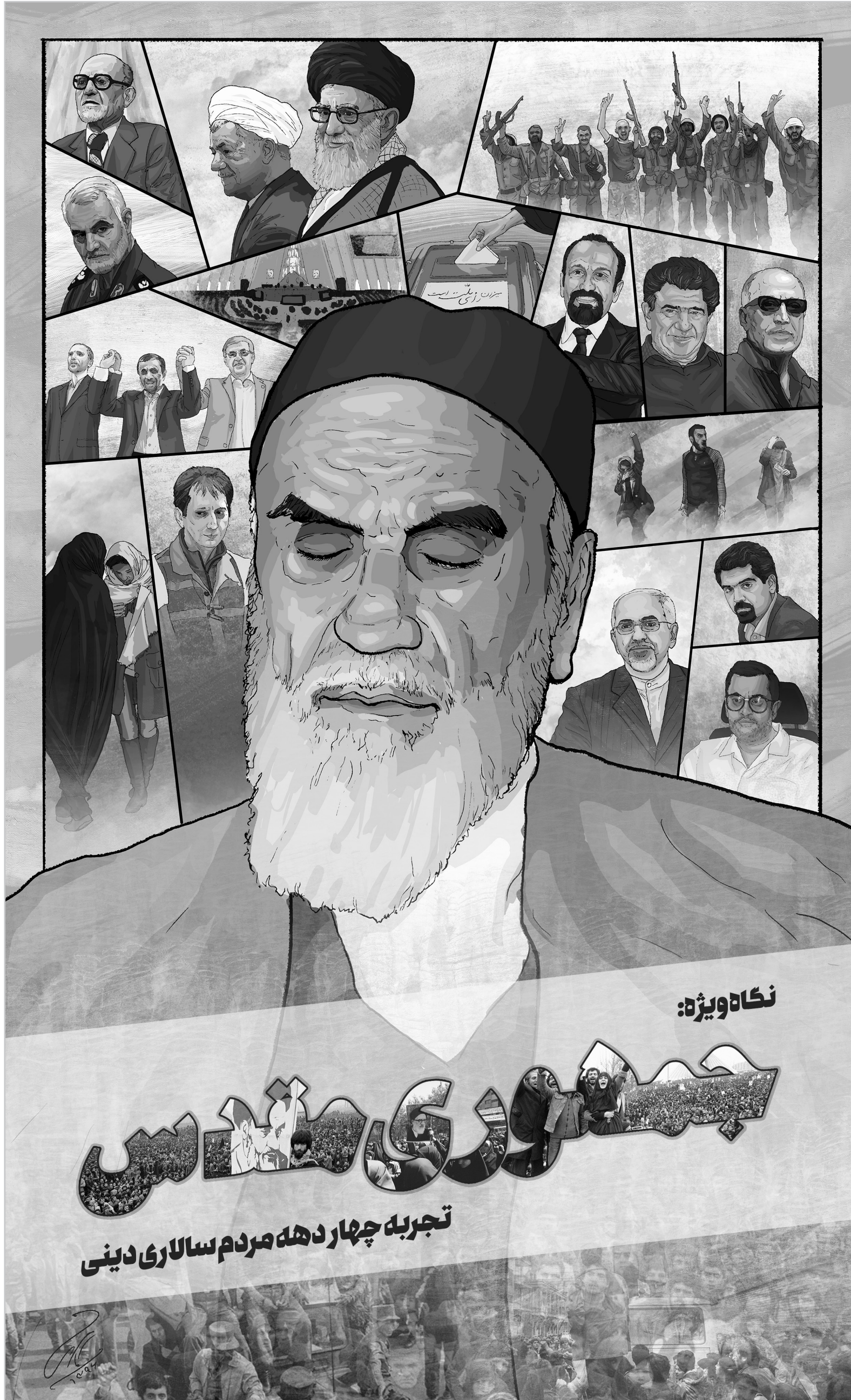
کارشناسی ارشد علوم سیاسی ۹۵



پس از به سلطنت دست یافتن رضاشاه، دولت پهلوی هجمه‌ای را بر پیکره جامعه تارمانند ایران آغاز کرد و موقعیت سروران اجتماعی مختلف را به چالش کشید. در نتیجه این روند، جامعه از فرماسیون جامعه‌مدنی سنتی خارج شد اما به سوی جامعه‌مدنی مدرن حرکت نکرد. آنچه از پی ویران شدن جامعه تارمانند ذیل اقتدار دولت پهلوی قرار گرفت، جامعه‌ای توده‌ای بود. در این میان برخلاف رؤسای ایلات و ملاکین، یکی از سروران اجتماعی که از میدان به در نشد، روحانیت شیعه بود. در حالی که دولت قاجار و روحانیت در مسیر یک همزیستی سودمند دهه‌ها حرکت کرده بودند، پهلوی مسیر دیگری را در پیش گرفت و همین امر نه تنها رشته پیوند میان روحانیت شیعه و دولت پهلوی را سست نمود بلکه به پیوند تاریخی میان نهاد روحانیت شیعه و نهاد سلطنت نیز آسیب جدی وارد کرد. از دیگر سو خالی کردن صحنه سیاسی پس از مرداد ۱۳۳۲ از سایر گرایش‌های سیاسی و گفتمان‌های مدرن توسط دولت پهلوی از یک طرف و تئوریزه کردن اندیشه «بازگشت به خویش» توسط روشنفکران از طرف دیگر همزمان شد با تولد بافت جدیدی از روحانیت که با بافت غالب بر حوزه‌های علمیه متفاوت بودند. روحانیتی که از دهه چهل پس از درگذشت آیت‌الله‌العظمی بروجردی به سرعت روند رو به رشدی را در عرصه یارگیری در میان نیروهای اجتماعی در اولویت نخست و از میان طلاب مستعد به دگراندیشی در درجه بعدی در پیش گرفت. روحانیتی که برای جذب طبقات اجتماعی نوظهور و ایجاد ائتلافی چندپایه از نیروهای اجتماعی علیه دولت پهلوی ناگزیر در چارچوب «مصلحت» با پاره‌ای از ابعاد مدرنیته و بسیاری از دال‌های گفتمانی سایر گفتمان‌های سیاسی مدرن پیوند برقرار کرد.

امام خمینی با طرح نظریه ولایت فقیه یک نوآور در حیطه سنت شیعی بود و توانست به وسیله آن روحانیت شیعه را به یک ایدئولوژی سیاسی مجهز سازد که امکان قبض قدرت را برای آنان فراهم آورد و موقعیت ممتاز روحانیت شیعه را احیا کند. امری که لاجرم حاصل نمی‌شد مگر روحانیت امکان بسیج گسترده و یارگیری از میان طبقات نوظهور و برساخته نوسازی دولت پهلوی را فراهم آورد. مع‌الوصف به فراخور این امر ایدئولوژی ولایت فقیه و مقصود اصلی می‌بایست در پس یک ایدئولوژی توده‌ای و یک چهره ژانوسی پنهان می‌ماند. از بُعدی دیگر، تشکیل حکومتی قابل دوام با ملاحظات روز، عدول از پاره‌ای مؤلفه‌های سنتی را می‌طلبید ولو یکی از آنان و ای بسا مهم‌ترین آن‌ها پذیرش صورت بندی و فرماسیون «جمهوری» به عنوان آلت‌ناتیو دولت سلطنتی پهلوی باشد. لذا «دایره مصلحت» در اندیشه امام خمینی و روحانیت انقلابی ایران محدود‌های است که عقب‌نشینی در برابر امر مدرن برای حفظ و صیانت از مصلحتی بالاتر که شکل‌دهی و حفظ دولت اسلامی و در پیوند با آن موقعیت ممتاز روحانیت شیعه باشد، در قالب فقه پویا، قابل توجه و مشروع است ولو آن که به تعبیر امام خمینی واجب الهی نیز تعطیل گردد یا حرام دین، حلال گردد.

واقعیات حاکم اقتصاد مدرن، نیروهای اجتماعی مدرن و سیاست مدرن نقشی اساسی در ساخت انقلاب، به دست گرفتن قدرت سیاسی و استقرار دولت اسلامی بازی کرد. امام خمینی و سایر روحانیون انقلابی در انضمامی کردن اندیشه‌های عام خود از شعارها و نهادهای مدرن، راهبردهای سازش سیاسی و شگردهای وسایل ارتباط جمعی بهره گرفتند. نهادهای مدرنی چون رفراندوم، پارلمان، جمهوریت و جز این‌ها از دیدگاه سنتی فاصله زیادی داشت. به تعبیری کل ساختار قانونی و نهادی جمهوری اسلامی بیش از آن که با الگوی خلافت در صدر اسلام تطابق داشته باشد با جمهوری پنجم فرانسه در زمان دوگل مشابهت داشت. واقعیتی که روحانیت انقلابی آن را پذیرفته بود، آن بود که انقلاب اسلامی، انقلابی با مشارکت پاره‌ای طبقات



نگاه ویژه:

جمهوری دینی

تجربه چهار دهه مردم سالاری دینی

علی مطهری: وعده مسئولان برای رفع حصر تا پایان سال

به گزارش انتخاب به نقل از ایسنا، نایب رییس مجلس شورای اسلامی گفت: مسئولان قضایی و امنیتی وعده رفع حصر تا پایان سال را داده‌اند. علی مطهری در حاشیه جلسه علنی صبح شنبه ۲۸ بهمن ماه مجلس در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره موضوع حصر، گفت: به ما قول‌هایی داده‌اند و گفته‌اند زیاد در رسانه‌ها اظهار نظر نکنیم و در مقابل آن‌ها به دنبال این هستند که تا پایان سال به این موضوع خاتمه بدهند. ما هم منتظریم آیا آن‌ها به قول‌شان عمل می‌کنند یا نه. وی افزود: تا کنون اقداماتی در مورد حصر انجام شده ملاقات‌هایی صورت گرفته است ولی باید منتظر باشیم البته در مورد آقای موسوی ملاقات اقوام راحت‌تر انجام شد و کارهایی صورت گرفت ولی در مورد آقای کروبی گشایش بیشتری انجام شد. وی افزود: هنوز مسئولانی که این موضوع به آن‌ها مربوط است اظهار نظری نداشته‌اند اما افراد غیرمسئول حرف‌هایی برخلاف این تصمیم زده‌اند؛ اما چون مسئولان حرف روشنی زده‌اند ما روی قول‌هایی که داده‌اند حساب می‌کنیم تا ببینیم آیا این اتفاق تا پایان سال رخ می‌دهد یا نه؟ در غیر این صورت اعتراضات‌مان را شروع می‌کنیم! مطهری خاطر نشان کرد: این قول در مذاکره و ملاقات‌ها مطرح شده و مسئولان امنیتی و قضایی هم آن را گفته‌اند که ما منتظر اقدامات آن‌ها هستیم. وی خاطر نشان کرد: من شخصا معتقدم اگر محصورین خطایی هم کرده‌اند هفت سال حصر خانگی واقعا مجازات قابل توجهی است و کافی است.



اعتراضات ۹۶، دوراهی حاکمیت



سجاد هوشمند
کارشناسی اقتصاد نظری ۹۴

دی ماه ۱۳۹۶ خیابان‌های ایران شاهد اعتراضات مردمی بودیم که برای فریاد بر سر حاکمیت به خیابان آمده بودند. آن‌ها با سر دادن شعارهایی سعی داشتند مطالبات فراوان خود را به گوش مسئولان برسانند. شاید با تقلیل دادن اعتراضات اخیر مردم به مسائل اقتصادی بتوانیم آن‌ها را توجیه کنیم و یا حتی برای حل آن راهکارهایی بیندیشیم اما آنچه مشخص است، این نکته است که اعتراضات دی ۹۶ حاصل انباشت مطالبات و خواسته‌های افرادیست که جایی در حاکمیت کشور ندارند و نهادهای مستقر قدرت را (فراز از جریان سیاسی آن‌ها) نماینده مناسبی برای خواسته‌های خود نمی‌دانند. حال آن که پس از خاتمه یافتن این اعتراضات مشاهده کردیم که احزاب و گروه‌های سیاسی هم به جای آن که به دنبال سرچشمه اعتراضات باشند با متهم کردن جریان مقابل سعی داشتند اعتراضات را متوجه جریان رقیب نمایند. در حالی که با اندکی توجه به شعارهای مردم معترض در خیابان‌ها، در می‌یابیم که آن‌ها نه تنها خود را تحت لوای هیچ جریان سیاسی نمی‌دانند بلکه از هر دو جریان اعلام براثت می‌کنند! بنابراین محدود کردن اعتراضات اخیر به مسائل جناحی نه تنها به سود هیچ کدام از این جریانات نیست بلکه تنها دال بر ادامه روند بی‌توجهی به مطالبات مردم است.

چنان تحولی در منطقه شد که آتش آن گریبان تقریبا تمام رژیم‌های خودکامه منطقه را گرفت. این تحول عظیم حاصل بی‌توجهی نظام‌های کشورهای منطقه، به ناراضی‌تری فزاینده مردم در مقابل ناکارآمدی نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که زمینه‌ساز انقلاب‌های بهار عربی شد. معترضین دی ماه ۹۶ اگرچه فاقد سازماندهی بودند و ناراضی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن‌ها را گرد هم آورده بود اما این چنین توده‌های سرگردان می‌توانند به سرعت تحت تاثیر حاشیه‌هایی قرار بگیرند که به آن‌ها دیکته می‌شود. جنبش دی ماه ۹۶ نه به دنبال سرنگونی بود و نه به دنبال اصلاح، آن‌ها حتی خود نیز نمی‌دانستند چه می‌خواهند و این از شعارهای مختلف و بعضا متعارض آن‌ها نمایان است. شعارهای مردم بیانگر این است که توده معترض، فاقد اصالت است و تنها مطالبات انباشت شده، آن‌ها را از سر خشم به خیابان‌ها آورده است. حال در شرایطی که هیچ نیروی سیاسی هم نمی‌تواند با معترضین ارتباط برقرار کند باید به شدت نگران عواقب این روند باشیم. روندی که شاید با برخی ترندها بتوان آن‌ها را از خیابان بیرون راند اما در بلندمدت، بحران بیگانگی و انباشت ناراضی‌ها می‌تواند عواقب بسیار وخیم تری برای کشور در پی داشته باشد. قاطبه معترضین دی ماه ۹۶ را جوانانی تشکیل می‌دادند که در همین کشور متولد شده‌اند، در مدارس و دانشگاه‌های همین نظام تحصیل کرده‌اند و تحت تاثیر فرهنگ همین کشور رشد و نمو یافته‌اند. اما وقتی در میان صحبت‌های مدیران کشور و امر واقع مغایرت می‌بینند، رفته رفته پیوندشان با

ارزش‌های حاکم، سست می‌شود. وقتی آمریکاستیزی به عنوان یک ارزش در کشور مطرح است و مردم به دلیل همین سیاست مجبور به پذیرش سیاست خاصی می‌شوند، اما در مقابل می‌بینند که خانواده بسیاری از مسئولان رده بالای نظام برای زندگی و تحصیل راهی غرب می‌شوند، چگونه می‌توانند به این گفتار و عمل دوگانه را درک و هضم کنند؟ طبیعی است که این چنین رفتارهای دوگانه‌ای که نمونه آن هم در کشورمان کم نیست، به تدریج سبب می‌شود که این باور برای عموم مردم ایجاد شود که ارزش‌های حاکم بر جامعه، تنها وسیله‌ای برای پیشبرد منافع برخی افراد است. اگر امروز با تکثر گفتمان‌ها مواجه هستیم و ارزش‌های بخشی از جامعه، ارزش‌هایی است که مطابق گفتمان حاکم نیست، نباید آن‌ها را بیگانه و دست‌نشانده بخوانیم. ادامه چنین برداشتی از اعتراضات که ادامه منطقی آن سرکوب اعتراضات است، منجر به این می‌شود که حاکمیت کشور تماما دشمن تلقی شود.

اکنون وقت آن است که با توجه به اعتراضات دی ماه ۹۶، روندهای منتج به آن را اصلاح کنیم. عدم اقدام جدی در این زمینه، منجر به چالش‌های جدی‌تر آینده می‌شود. نخستین گام در این راه، فراهم کردن بستری برای عملیاتی کردن حق اعتراض و گردهمایی به معترضین مطابق با اصول قانون اساسی است. در این زمینه می‌توان با تقویت سندیکاها و انجمن‌های صنفی و سیاسی و حل مشکلات پیش روی آن‌ها، کاری کرد که مردم اعتراضات خود را در قالب این نهادها به گوش مسئولان برسانند. بدین ترتیب حداقل می‌توان مطمئن بود که هر فرد یا گروهی نمی‌تواند از فضای احساسی حاکم در میان معترضین، سوءاستفاده کند. بدهی است برای پوشاندن شکاف‌های میان مردم و مسئولان، این کارگزاران نظام هستند که باید به سوی مردم حرکت کنند و این گونه به ترمیم شکاف‌های موجود بپردازند. دادن وعده‌های پوچ و بیهوده در کنار عدم شفافیت، صداقت و فساد مالی برخی مدیران سطح بالای کشور، مردم را دچار آن چنان بی‌اعتمادی نموده است که برای کسب اعتماد مجدد آن‌ها باید تمامی نهادهای موجود، رویه خود را تغییر دهند، اولویت خود را بر اساس خواسته‌های مردم تعیین کنند و از انکار وجود مخالفین و نسبت دادن آن‌ها به غیر، بپرهیزند. همچنین همزیستی مسالمت‌آمیز صاحبان دیدگاه‌های مختلف در کنار یکدیگر و در سایه گفت‌وگوی آزاد و ملی می‌تواند تا حدود زیادی خدشه‌هایی که در طول این چهل سال به اعتماد عمومی وارد آمده‌است را مرتفع سازد.

ذبح محترمانه قانون

کرده باشد. عمل به مَرّ قانون پس از تصویب توسط مراجع قانون‌گذار بر همه افراد در اقصی نقاط قلمرو حکومتی واجب‌الاطاعه می‌باشد و اجرای آن تابع حد و مرز نیست که به عنوان مثال قانونی در غرب کشور بی‌هیچ حرف و حدیثی به اجرا گذاشته شود اما در شرق کشور جلوی اجرای همان قانون با همان کمیت و کیفیت را بگیرند و آن را غیر مجاز بخوانند. هیچ کس بالاتر از قانون نیست. وقتی قوه مقننه قانونی را تأیید و قوه مجریه آن را ابلاغ می‌نماید، تمکین به آن بر همه افراد جامعه واجب و محتوم است و تخطی از آن به هیچ عنوان جایز نیست. فراتر از آن چه بسا در کشوری که قوانین آن منطبق بر دین اسلام وضع می‌شود، عدول از قوانین به مثابه عدول از شرع نیز به شمار آید. این گونه بدعت‌های فراقانونی که گویندگان آن سعی دارند تا با اضافه کردن پسوندها و پیشوندهایی چون «انقلابی‌گری» و «اسلامیت»، رنگ و لعابی به این بیخشنده و آن را در انظار عموم موجه جلوه دهند، نه رنگ و بویی از اسلام و نه نام و نشانی از انقلاب را با خود به همراه دارد و مطمئنا جز ترویج بی‌قانونی، هرج و مرج و خدشه دار کردن ساحت قانون هیچ نتیجه‌ای را در بر نخواهد داشت.

بنیان‌گذار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (ره) نیز در نكوهش این رویه غلط می‌فرماید: «حالا که ما انقلاب کردیم باید هرج و مرجی باشیم... نباید ما

یک کلمه انقلاب بگذاریم و هر کاری دلمان می‌خواهد بکنیم بگویم که انقلابی است! انقلابی یعنی چه؟ مگر اسلام عوض می‌شود در انقلاب؟! اسلام همان اسلام است...» (صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۷۵). ایشان در سخنی دیگر با بیان اینکه بایستی قانون در رأس واقع شود نه احترام اشخاص و تأکید بر این که همه افراد کشور باید خودشان را با قانون تطبیق دهند و تسلیم قانون باشند، بر بدعت‌های مذموم این چنینی که به دنبال اولویت قرار دادن نظر و عقیده اشخاص نسبت به نص صریح قانون است خط بطلان می‌کشد. اگر هرچه زودتر جلوی این بدعت‌ها گرفته نشود و این امر نكوهیده تبدیل به یک رویه جاری و معمول گردد، دور از انتظار نخواهد بود که در آینده‌ای نزدیک شاهد سرایت این رفتار ناپسند به دیگر ارگان‌ها و نهادها باشیم و بعید نیست روزی از راه فرا برسد که از «قانون» تنها نامی به جا ماند و تمامی سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها نه مبتنی بر ماده و تبصره‌های قانونی که منطبق بر «احترام» به ذاتقه و پسند برخی افراد اتخاذ شود. در پایان نیز چه خوب است به دولت محترم یادآوری شود که پس از انتخاب مجدد شما توسط مردم در انتخابات اخیر باید به دنبال جلب رضایت مردم باشید و از حقوقشان دفاع کنید نه این که با سکوت منفعلانه و به اصطلاح واکنش‌های «محترمانه» در قبال رفتارهای غیر قانونی، مسبب پایمال شدن حقوق مشروع مردم شوید.

در پاسخ به خواست خلاف قانون یکی از ائمه جمعه کشور به بهانه «احترام» به این خطیب جمعه، بسیاری از شهروندان کشورمان را از یک حق طبیعی خود محروم نمود. به بهانه همین سخنان دکتر روحانی بر آن شدم تا با نگاشتن این یادداشت نسبت به ذبح محترمانه قانون هشدار دهم.

دکتر جعفری لنگرودی در کتاب «ترمینولوژی حقوق» در تعریف قانون چنین می‌نویسد: «قانون در معنای خاص دستور کلی (و گاهی جزئی) است که به وسیله مرجع صالح انشا شده و به وسیله مجالس قانون‌گذار تصویب و سپس به توشیح مرجع صلاحیت دار برسد». با تأمل در تعریف فوق از قانون می‌توان چنین استنباط کرد که وظیفه تعیین و تشخیص قانون، مجالس قانون‌گذار و وظیفه تصویب و توشیح آن نیز مراجع صلاحیت‌دار می‌باشند و جز این دو مورد هیچ ارگان یا نهاد دیگری حق دخالت در این حوزه را ندارد. با این تفاسیر بدیهی است که اظهار نظر و تصمیم‌گیری در این باره نیز نه در حیطه اختیارات و وظایف امام جمعه است و نه خطبه‌های نماز جمعه را می‌توان مرجع مناسبی برای قانون‌گذاری لحاظ کرد. در تعاریف متعددی که در اسناد و مکاتبات موجود است هیچ گاه نمی‌توان ترجمانی از قانون یافت که در آن صحبت از «احترام» به میان آمده باشد و یا «احترام کردن به این و آن» را مجوزی برای چشم پوشی از قانون قلمداد

مسعود بزم آرا
دانش آموخته مهندسی برق قدرت

قانون اساسی هر کشور عالی‌ترین سند حقوقی آن کشور محسوب می‌شود و در برگیرنده اصول سیاسی و ساختاری آن کشور می‌باشد. قانون اساسی در واقع تضمین‌کننده حقوق شهروندان هر کشور در برابر دولت‌هایشان و همچنین قوای مختلف در یک کشور است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در سال ۵۷ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی گردآوری و اوایل سال ۵۸ با رأی مستقیم مردم، تصویب و به اجرا در آمد. از آن روز به بعد قانون اساسی لازم الاجرا و فصل الخطاب سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران برشمرده می‌شود. امام خمینی (ره) نیز همواره مردم و دولتمردان را به پیروی از مَرّ قانون اساسی دعوت می‌کردند و آن را بالاترین رکن جمهوری اسلامی پس از مردم می‌دانستند. در همین رابطه حسن روحانی در جمع شرکت کنندگان در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال با تأکید بر اهمیت قانون اساسی، عمل به آن را معیار انقلابی یا غیر انقلابی بودن افراد بر شمرد و آن را معیاری برای وحدت و اتحاد مردم دانست. وی همچنین تنها راه تغییر قانون اساسی را صندوق رأی و نظر مستقیم مردم دانست. البته هنوز از خاطرمان نرفته است که در دولت قبلی جناب روحانی شاهد بودیم که یکی از وزرای کابینه دولت تدبیر و امید



نشریات دانشجویی باید به دور از تشریفات باشد، دانشجویان از نقد کردن نترسند

به گزارش گروه دانشگاه خبرگزاری دانشجو، حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم کلانتری در اختتامیه دومین جشنواره سراسری نشریات دانشجویی دانشگاه آزاد در بخشی از سخنان خود به فضای مجازی اشاره کرد و افزود: با توسعه فضای مجازی در دنیا آیا دیگر محلی برای نشریات مکتوب باقی می‌ماند یا خیر؟ به نظر من اگر همه دنیا را فضای مجازی بگیرد، باز هم نشریات مکتوب جایگاه خاص خودشان را خواهند داشت. معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه آزاد ادامه داد: بعضی وقت‌ها نوشتن و کتابت یک مقاله سرآغاز و شروع یک تحول بزرگ است. اکثر حوادث بزرگ دنیا از نوشتن شروع شده است، بعثت ما هم از نوشتن شروع شد و در دنیا در حال حرکت است. وی تصریح کرد: دانشجویان نسبت به کار خودشان ارزش قائل شوند و از نوشتن دست بردارند و از نقد هم نترسند. تا می‌توانند مقاله و یادداشت بنویسند و نوشتن را تمرین کنند. وی افزود: برخی افراد با قلم در رسانه‌های خودشان انسان‌ها را نابود می‌کنند و متأسفانه بعضی دیگر از افراد نیز با زیر پا گذاشتن ارزش‌های اسلام می‌خواهند خودشان را معروف کنند و اسلام را زیر سوال ببرند، بنابراین از دانشجویان می‌خواهم که برای قلم و کتابت خودشان احترام و ارزش قائل باشند. قلم می‌تواند باعث رشد یا انحطاط شود، پس باید مراقب بود تا فریب افراد ساده‌لوح و دشمنان را نخوریم.

وقایع اتفاقیه بر قله نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی



ادبیات و علوم انسانی با حضور دکتر کافی، رئیس دانشگاه فردوسی، و منصور معتمدی، مدیر فرهنگی و فعالیت‌های داوطلبانه دانشگاه برگزار شد. دکتر کافی با تشکر از دانشجویان فعال در این حوزه اظهار داشت که از دانشجویانی که هزینه سنگین نوشتن را می‌پردازند و باز هم می‌نویسند سپاسگزاریم و قول خواهیم داد که دانشگاه حمایت‌های خود را از آن‌ها ادامه دهد. دکتر منصور معتمدی نیز به معضل مسأله یافتن مخاطب برای نشریات دانشجویی اشاره کرد. در ادامه از برگزیدگان جشنواره در ۴ بخش، ۳۳ رشته و در مجموع از ۴۵ برگزیده تقدیر شد. در بخش آثار برتر در ۲۰ رشته شامل تیتراژ، خبر، مصاحبه، گزارش، سرمقاله و یادداشت، طرح و کارکاتوور، طنز، عکس، طرح روی جلد،

علمی، درست‌نویسی و نگارش رسانه‌ای، خبر و تیتراژ، گزارش و مصاحبه، طنزنویسی، یادداشت و مقاله‌نویسی مطبوعاتی، عکاسی خبری و... اشاره کرد. افزایش کمی و ارتقاء کیفی داوران هفدهمین جشنواره در مقایسه با ادوار گذشته، شاید برجسته‌ترین تمایز این دوره از جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد باشد. هیأتی بیست نفره از اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی و همچنین فعالین و متخصصین حوزه روزنامه‌نگاری شهر مشهد وظیفه داوری نشریات و آثار این دوره از جشنواره را بر عهده داشتند. پس از ماراتن چندین ماهه جشنواره و داوری نشریات و آثار، اختتامیه هفدهمین جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، در ۲۴ بهمن ماه در تالار فردوسی دانشکده

فرناز محمدیان کارشناسی ارشد حقوق خصوصی ۹۵

در دوره بازار پر رونق فضاهای مجازی، نشریات دانشجویی همچنان به عنوان ابزار و شیوه‌ای کارآمد در عرصه فعالیت دانشجویی به شمار می‌روند و تاثیر به سزای آن‌ها در بازسازی فضای گفت و گو و رهایی دانشگاه از رکود و سکون، غیر قابل انکار است. وجود نشریات دانشجویی سبب تعامل، همکاری و ایجاد حس خودباوری برای دانشجویان می‌شوند و آن را تقویت می‌کنند. از این رو توجه به حوزه نشریات دانشجویی و حمایت مادی و معنوی از آنان، موجب رشد حرفه‌ای دانشجویان و به تبع آن، پویایی فضای فرهنگی دانشگاه خواهد شد. جشنواره‌های نشریات دانشجویی به منظور ایجاد انگیزه و فضای رقابتی سالم و انتقال تجربیات و تضارب آراء شکل گرفتند و دانشگاه فردوسی مشهد نیز در همین راستا تجربه برگزاری هفده دوره جشنواره داخلی نشریات دانشجویی را در کارنامه خود داراست. هفدهمین جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد از اول مهرماه سال ۱۳۹۶ آغاز به کار کرد. در این جشنواره، نکات حائز اهمیتی قابل طرح است که موجب تمایز این دوره با دوره‌های پیشین شده است. از جمله این که علاوه بر بخش نشریات برتر و بخش ویژه بخش آثار برتر نیز در نظر گرفته شده بود. به علت امکان ثبت نام الکترونیکی، در این دوره از جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه، بیش از ۲۷۰۰ اثر به ثبت رسید. از دیگر نکات مثبت این دوره از جشنواره، می‌توان به برگزاری سلسله جلسات «تجربه‌نگاری ژورنالیسم» و کارگاه‌های مقاله‌نویسی

گرافیک و صفحه‌آرایی، مقالات فرهنگی و اجتماعی، سیاسی، ادبی، هنری، صنفی، دینی و قرآنی، علمی علوم پایه، علمی فنی و مهندسی، علمی علوم انسانی و علمی کشاورزی و دامپزشکی به برگزیدگان جوایزی اهدا شد. آثار ارسالی در بخش ویژه نیز در هفت رشته کرسی‌های آزاد اندیشی نقد و مناظره با موضوع آزاد، انرژی‌های پاک و محیط زیست، شعار سال: اقتصاد مقاومتی یا تولید و اشتغال، برجام و انرژی هسته‌ای، آسیب‌های اجتماعی، گفت‌وگو محوری و نشریات کاغذی الکترونیک ارزیابی شدند. همچنین در بخش نشریات برتر، آثار در دو رشته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و علمی تخصصی داوری شدند.

در ایستگاه آخر هفدهمین دوره از جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، نشریه وقایع اتفاقیه با کسب ۹ عنوان برتر، بر قله نشریات دانشجویی دانشگاه ایستاد. در بخش آثار برتر، نشریه وقایع اتفاقیه در رشته تیتراژ، مصاحبه، گزارش، عکس، مقالات فرهنگی اجتماعی و در بخش ویژه در رشته کرسی‌های آزاد اندیشی نقد و مناظره با موضوع آزاد و گفت‌وگو محوری موفق به اخذ رتبه برتر شد. همچنین نشریه وقایع اتفاقیه در بخش نشریات برتر، در رشته فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موفق به کسب رتبه اول مشترک با نشریه سیمرخ شد. در بخش نشریه برتر از نگاه دانشجویان در حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نشریه وقایع اتفاقیه با کسب ۱۷۲ رأی رتبه برتر را کسب کرد. در شانزدهمین دوره جشنواره نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد نیز نشریه وقایع اتفاقیه در سال گذشته موفق به کسب رتبه اول مشترک در بخش نشریات برتر فرهنگی و اجتماعی، کسب رتبه برتر در بخش انتشار منظم، آزاد اندیشی و پرمخاطب‌ترین نشریه دانشگاه فردوسی شده بود.

دو گفتمان برای یک مشکل

گزارشی از برنامه خشم و هیاهو



فاطمه نصیریایی کارشناسی زیست‌شناسی جانوری ۹۳

مرزبندی‌های خود را با جریان برانداز شفاف کند. ممکن نیست که هم نقش اپوزیسیون را ایفا کرد و هم در داخل نظام به دنبال قدرت بود.

ابراهیم اصغرزاده در خصوص عوامل و بسترهای بروز اعتراضات اخیر اظهار داشت که جامعه ما یک جامعه در حال گذار و پیچیده است و معمولاً پدیده تحولات اجتماعی زیر پوستهای پنهان شده که ما آن را نمی‌بینیم. حوادث اخیر جنس جنبشی دارند، این اعتراضات را به دلیل نداشتن رهبر می‌توان جنبش‌های مولکولی در نظر گرفت. اصغرزاده همچنین افزود: بخشی از جامعه احساس می‌کند که سخنگویی ندارد تا مطالبات او را مطرح کند. دیده نشدن مردم و احساس آن‌ها مبنی بر این که شهروند درجه دو هستند به صورت خشونت پنهان انباشت می‌شود و در یک زمان مانند سونامی و زلزله بروز می‌کند. این نوع نگاه کاملاً غیرسازمانی بود و با احزاب موجود مرزبندی داشت.

این فعال سیاسی اصلاح طلب، در ارزیابی مواضع حاکمیت، دولت و جناح‌های سیاسی در جریان اعتراضات تصریح کرد: کسانی که در طول ۴ دهه بر تمام مقدرات مملکت تاثیر گذاشته‌اند، در این مسأله مسئول‌اند که مهمترین آن‌ها شورای نگهبان است. وی افزود: من به قانون اساسی مقیدم اما این که بخش‌هایی از ارکان نظام را نقد کنیم به معنای تلاش برای براندازی نیست. اصغرزاده ادامه داد: اصول‌گرایی منمب شماره یک اعتراضات دی ماه ۹۶ است و علت آن نوع نگاه آن‌ها نسبت به اسلام و انقلاب در ۴ دهه گذشته است. اینکه شعارهای اقتصادی ظرف چند ثانیه به شعارهای رادیکال سیاسی تبدیل می‌شود به این دلیل است که در کشور ما اقتصاد از سیاست جدا نیست. اقتصاد منهای توسعه سیاسی و حذف نگاه‌های امنیتی به جایی نمی‌رسد. این نماینده سابق مجلس، درباره امکان نیاز به وجود جریان سوم در عرصه سیاسی کشور اظهار داشت که هم اصلاح طلبان و هم اصولگرایان باید رفتار خود را بازخوانی کنند. یکی از مشکلات دولت روحانی چرخش به سمت اصولگرایان بود. تخصیص بودجه به بعضی نهادهای اصول‌گرا و چینش کابینه از ایراداتی هستند که مردم به دولت روحانی دارند. اگر این حس وجود داشته باشد که ناکارآمدی کشور محصول تبانی اصولگرایان و اصلاح طلبان است مردم از همه ما عبور خواهند کرد. وی ادامه داد: تمام احاد جامعه باید از حقوق برابر برخوردار باشند. اینکه خودی و غیر خودی کنیم منجر به طردشدگی بخش‌هایی از جامعه می‌شود. نگاه از بالا به پایین و آمرانه و سرکوب‌گرانه یکی از مشکلات اساسی است. اصولگرایان و اصلاحات باید گفت‌وگویی بر مدار اصلاح و بازگشت به قانون اساسی را در دستور کار خود قرار دهند.

از تابو تا قانون



سیما تفکنریا کارشناسی مهندسی صنایع ۹۴

هستیم. در کمال تأسف، دانشگاه فردوسی نیز از این قاعده مستثنا نیست. با این که دانشگاه نقشی اساسی در ارتقاء فرهنگ جامعه و عبور از برخی تعصبات و تابوها دارد، اما همواره شاهد سنگ اندازی‌های نهادهایی خاص در دانشگاه بوده‌ایم که نتیجه آن ممانعت از برگزاری برنامه‌ها یا اتمه اعمال تغییراتی در محتوای برنامه‌های پیشنهادی مجموعه‌های دانشجویی است. روندی که گاه‌ها منجر به بی‌انگیزگی و دلسردی تعداد اندک فعالین دانشجویی می‌شود. گاه عدم شفافیت در صدور مجوز برخی برنامه‌ها در دانشگاه به گونه‌ای است که حتی حق دانشجو مبنی بر مطلع شدن از چرایی مخالفت نمایندگان نهادهای تصمیم‌گیرنده در دانشگاه با طرح‌های خود، نادیده گرفته می‌شود. نمونه بارز یکی از این قبیل مخالفت‌ها، ممنوعیت دوچرخه سواری بانوان در دانشگاه است. در همایش دوچرخه سواری که بنا بود در روز سوم بهمن ماه، به مناسبت روز هوای پاک و سه‌شنبه‌های بدون خودرو، در دانشگاه فردوسی برگزار شود، علی‌رغم تلاش‌های نمایندگان شورای صنفی مبنی بر حضور بانوان در همایش دوچرخه‌سواری، در نهایت با مخالفت برخی از اصحاب تصمیم‌گیرنده در دانشگاه مواجه شد. به دنبال مخالفت‌ها، در ابتدا عنوان پوستر این همایش از دوچرخه سواری به دوچرخه سواری آقایان تغییر کرد. در ادامه اما با برگزاری جلسات مختلف و البته با نظر ریاست محترم دانشگاه که از ابتدای طرح مذکور همراه و پشتیبان دانشجویان بودند، از دوچرخه‌سواری به پیاده روی همگانی تبدیل شد تا این گونه از تبعیض جنسیتی در همایشی محیط زیستی جلوگیری شود و برای تمام جمعیت دانشگاه این امکان وجود داشته باشد تا در کاهش آلودگی هوا و بزرگداشت این روز نمادین نقش داشته باشند. تبدیل برنامه روز هوای پاک به پیاده‌روی و به تبع آن آزادی حضور بانوان در این برنامه را می‌توان در استقبال خوب مخاطبین از این مراسم موثر دانست. با توجه به فضای وسیع دانشگاه فردوسی و پراکندگی مکانی دانشکده‌ها، می‌توان اظهار داشت که دوچرخه به جهت عدم آلودگی هوا در مقابل ماشین‌های سوختی، بهترین وسیله نقلیه برای تردد درون دانشگاه است. اما با توجه به محدودیت بانوان برای استفاده از دوچرخه، بخش قابل توجهی از دانشجویان به ناگزیر به استفاده از خودروهای شخصی روی می‌آورند. سوالی که بی‌جواب می‌ماند، این است که چه چاره‌ای برای مدیریت و کنترل این بحران (استفاده دانشجویان از خودروهای شخصی و آلودگی هوای ایجاد شده آن هم در دانشگاهی که در مسیر دانشگاه سبز حرکت می‌کند) اندیشیده می‌شود.

بیست و نهم دی ماه، به منظور جذب مشارکت مردمی برای کاهش آلودگی هوا، روز ملی هوای پاک نام‌گذاری شده است. در سال‌های متمادی شاهد برنامه‌های متنوعی بوده‌ایم که در روز هوای پاک در سطح شهر برگزار می‌شود. دانشگاه فردوسی نیز در همین رابطه شاهد برگزاری برنامه‌های مختلفی بوده‌است که می‌توان به برنامه‌هایی با شعار «هوای پاکم آرزوست» اشاره کرد. برنامه‌ای که امسال در تاریخ سوم بهمن ماه، به بهانه روز هوای پاک، در دانشگاه فردوسی برگزار شد، با سال‌های دیگر تفاوت داشت. در این برنامه که حرکت دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه از مقابل سازمان مرکزی دانشگاه فردوسی آغاز و تا دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست ادامه پیدا کرد، تفاوت عمده آن نسبت به سالیان گذشته، در حضور پررنگ بانوان بود، اگرچه که از دوچرخه سواری محروم شده بودند! تفاوت دیگر برنامه امسال را می‌توان در شعارها و پلاکاردهایی یافت که صرفاً ماهیت محیط‌زیستی نداشتند و مطالبات حاضرین را در موضوعات دیگر بازتاب می‌دادند. بخش عمده‌ای از جمعیت حاضر در این روز با اشاره به جمعیت ۶۵ درصدی دختران در دانشگاه ناراضی‌تانی خود را از قانون نانوشتته‌ای که بیش از نیمی از جمعیت دانشجویان را صرفاً به دلیل مسأله جنسیت، از دوچرخه سواری منع کرده است، واکنش نشان دادند. سوآلی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که آیا به راستی از لحاظ قانونی و شرعی دلیلی مبنی بر ممنوعیت استفاده بانوان از دوچرخه وجود دارد و یا صرفاً برخی تفاسیر موجود است که این محدودیت را برای نیمی از جمعیت جامعه ایجاد کرده است؟

طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی، «هر فعل یا ترک فعلی که برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود» و از آنجا که هیچ قانونی مبنی بر ممنوعیت دوچرخه سواری بانوان وجود ندارد، لذا این عمل به لحاظ قانونی جرم تلقی نمی‌شود و به تبع آن، هیچ نهادی اعم از اجرایی یا انتظامی نیز صرفاً بنا بر سلیقه نمی‌تواند ممانعت یا محدودیتی برای استفاده زنان از دوچرخه به وجود آورد. از منظر شرعی نیز با بررسی‌های اجمالی نگارنده، حکمی در خصوص ممنوعیت راندن دوچرخه و یا هر وسیله نقلیه دیگری توسط بانوان در احکام شرعی و اسلامی صادر نشده‌است. با این وجود در سطح جامعه شاهد مخالفت و ممانعت‌هایی با دوچرخه سواری بانوان

موضع‌گیری نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی در واکنش به سخنان اخیر رئیس‌جمهور



به گزارش انتخاب، نماینده ولی فقیه در استان خراسان رضوی با اشاره به اینکه مردم به رهبری و نظام وابسته و به رهبری علاقه‌مند هستند، گفت: این بیانگر مسأله اسلامی بودن نظام است، بنابراین در میان این مردم بحث مردم‌سالاری سکولار غلط است زیرا مردم‌سالاری دینی داریم و مردم پای این نظام خون داده‌اند و جانباز شده‌اند و این کاری است که مردم ما ۴۰ سال انجام داده‌اند و همه این‌ها به خاطر عشق به نظام است، آن وقت مردم را به اصل ۵۹ قانون اساسی حواله می‌دهید؟ آیت‌الله علم‌الهدی افزود: در سیل جمعیت چند میلیونی ۲۲ بهمن، اصل ۵۹ را به رخ مردم می‌کشید و فراندوم مطرح می‌کنید؟ آن هم در میان مردمی که عکس رهبری را بالادست خود دارند؟ اصل ۵۷ قوای سه‌گانه را زیر نظر امامت امت قلمداد می‌کنند؛ هر سه قوه حاکم و زیر نظر رهبری هستند و محور در این کشور، حجت‌امام زمان(عج) است. همه گره‌های سردرگم مدیریت نظام را رهبری حل می‌کند آن وقت مردم را به اصل فراندوم حواله می‌دهید؟ وی بیان کرد: فرمان همه‌پرسی و فراندوم نیز از اختیارات ولی فقیه و ولی امر است؛ واقعا در این سیل چند میلیونی که به حمایت از نظام آمده‌اند، مردم را به فراندوم حواله دادن، چه چیزی را به ذهن متبادر می‌کند؟ این مسأله به ذهن تداعی می‌شود که شما طرفدار مردم‌سالاری سکولار هستید. اساس نظام و این انقلاب را به خاطر خوشایند یک اقلیت لائیک وابسته به غرب، به باد اشکال نگیرید. این خیل جمعیت میلیونی را نادیده نگیرید.

از «حکومت اسلامی» تا «جمهوری اسلامی»

بازخوانی الگویی سیاسی از دوره مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷

مزدکی که خود از عالمان دین زرتشت بود و به طرفداری از برخی اصلاحات دینی و اجتماعی زمانه خود روی آورده بود.

در واژگان‌سازی‌ها و مدل‌سازی‌های سیاسی دوره مشروطه، دو اصطلاح «جمهوری» و «اسلامی» بیشترین ضریب تکرار را دارا هستند که البته واژه دوم بیشتر مدّ نظر منتقدان سیاسی بوده است. همچنین میان دو الگوی «مشروطه اسلامی» برابر با «جمهوری اسلامی» و «حکومت اسلامی» نیز دگراندیشان بیشتر به الگوی «مشروطه اسلامی» برابر با «حکومت اسلامی» توجّهِ نشان داده‌اند؛ دگراندیشانی که البته در باطن، اعتقادی به آن الگو نیز نداشتند. روزنامه قانون و میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله که نشر آن را در لندن برعهده داشت، در حدود سال‌های ۱۲۷۰-۱۲۶۷ شمسی برای نخستین بار در شماره ۲۹ روزنامه قانون، از الگوی سیاسی حکومت اسلامی نام برد. در سرمقاله چهار صفحه‌ای این شماره، میرزای شیرازی، مجتهد وقت، «رئیس شرعی» و «رئیس روحانی» ملت ایران معرفی شد که وظیفه‌اش رهبری جامعه ایران برای استقرار یک «حکومت دینی» و سقوط سلطنت ناصرالدین شاه بود. پس از آن، روزنامه فارسی‌زبان جبل‌المتین منتشر در کلکته هند، به تبلیغ و ترویج گسترده اصطلاح «مشروطه اسلامی» روی آورد و نقشی اساسی در ایجاد تغییر ساختار سیاسی ایران ایفا کرد.

در این زمان پس از آگاهی از اصطلاح «جمهوری»، «رئیس روحانی» و «مشروطه اسلامی»، شرایطی ایجاد گردید تا جرایدی چون روزنامه ندای وطن به سردبیری مجدالاسلام کرمانی، از «مشروطه اسلامی ایران» سخن به مزدکی که خود از عالمان دین زرتشت بود و به طرفداری از برخی اصلاحات دینی و اجتماعی زمانه خود روی آورده بود.

از شکاف‌های قومی، زبانی و مذهبی، شکاف سنت و مدرنیته و شکاف طبقاتی در عرض چند دهه اخیر تأثیر فاطمی بر کارزارهای انتخاباتی و تحولات گفتگویی دولت جمهوری اسلامی گذاشته است. در حالی که تا اوایل قرن بیستم، زمین مهم‌ترین منبع قدرت در ایران بود، به تدریج با ورود سرمایه تجاری از اواسط قرن نوزدهم و ورود تدریجی سرمایه مالی و صنعتی به عرصه اقتصادی ایران در دوره دولت پهلوی از نقش مالکیت زمین در تعیین‌کنندگی سیاسی کاست. سرمایه تجاری نیز که از مهم‌ترین منابع قدرت روحانیت سنتی بود در دولت پهلوی به تدریج رو به کاستی گذارده بود. سرمایه ارضی و خصوصاً سرمایه تجاری از مهم‌ترین منابع قدرت اقتصادی روحانیت سنتی بود. امری که واکنش متقابل طبقات رو به افول را در پی آورد و در سال‌های ۴۲ و ۵۷ خود را پیش از هر زمان دیگری نشان داد.

مقابله دولت پهلوی با طبقات در حال افول غالباً سنت‌گرای منکی به سرمایه ارضی و تجاری و شتونی نظیر روحانیت و بازار و از سوی دیگر حمایت از طبقات در حال ظهور نوگرای منکی بر سرمایه مالی و صنعتی، عملاً جامعه ایران را دوباره کرد و طبقات و نیروهای سنتی و مدرن را در برابر یکدیگر قرار داد. امری که باعث انقلابی شدن بخشی از روحانیت سنتی و همگرایی آنان با طبقات رو به افول و بخشی از توده‌های شهری که هنوز بهره‌چندانی از فرآیند نوسازی اقتصادی دولت پهلوی نبرده بودند گشت. اصلاحات ارضی شاه و در هم شکستن طبقه محافظه‌کار زمین‌دار نیز دقیقاً برعکس هدف دولت پهلوی نه تنها حامیان رژیم را مضاعف نکرد بلکه در نتیجه آن با افزایش چشم‌گیر مهاجرت‌ها از نواحی روستایی به شهرهای بزرگ، جمعیتی را شکل داد که به تعبیر پرواند آبراهامیان «دژکوب» انقلاب آتی شدند.

همین شکاف‌های اجتماعی در دوره جمهوری اسلامی از اواخر دهه شصت چهره خویش را نمایان ساخت و جریان چپ اسلامی به تدریج رو به زوال نهاد و با چرخش به سمت راست‌گرایی و میانه‌روی آغاز شد. وجه بارز این دوره رقابتی شدن نهاد انتخابات در دوره دولت جمهوری اسلامی بود. روندی که به تدریج خود را در دهه هفتاد در روندی فزاینده نشان داد. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۲ احمد توکلی توانست آرای خود را به رقم جالب توجه ۴

به حدّی گسترده بود که دگراندیشان و منتقدان اجتماعی، مانند زین‌العابدین مراغه‌ای نیز در آثاری چون سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ، مشروطه‌خواهان ایران را به «تقلید نعل به نعل» از انقلاب فرانسه دعوت می‌کردند و جرایدی چون صوراسرافیل نیز از «کامل بودن انقلاب ملت فرانسیسه» سخن می‌گفتند. در نهایت، این تقلید یا تأثیرپذیری به حدّی بود که اینک پس از بررسی سیر مقالات مندرج در مطبوعات منتشرشده در فاصله سال‌های ۱۲۷۴ تا ۱۲۸۸ شمسی که برابر با آغاز سلطنت مظفّرالدین‌شاه تا سقوط استبداد صغیر و استقرار مجلس شورای ملّی دوم در ایران است، می‌توان عنوان داشت که پُر تکرارترین نام یک کشور غیر از ایران، «فرانسه» و پر ضریب‌ترین شعار نیز هم‌سان‌سازی شعار آن انقلاب - آزادی، برابری، برادری- در قالب پردازشی دینی با عنوان «حریت، مساوات، اخوت» است. از این رو آگاهی از تحوّل‌ات انقلاب فرانسه، زمینه‌ساز ورود اصطلاحاتی چون «جمهوریت» یا «جمهوری» در گفت‌وگوهای سیاسی ایران گردید. میرزا آقاخان کرمانی از منتقدان سیاسی دوره ناصری که در ابتدای سلطنت محمّدعلی شاه قاجار نیز به دلیل افکارش به قتل رسید، از نخستین کسانی بود که اصطلاح جمهوری را در قالب یک نظام سیاسی مورد استفاده قرار داد؛ البته باید توجّهِ داشت که نگاهی ایزاری نیز به آن داشت. نگاه‌های ایران‌مداران‌ه و توجّهِ ویزه‌اش به تاریخ ایران قبل از اسلام، به‌ویژه دوره ساسانی و شخصیت مزدک او را بر آن داشت تا مزدک را نخستین جمهوری‌خواه تاریخ ایران معرفی سازد؛



علی باغدار دلگشا
دکتری تاریخ ۹۴

سی‌ونه سالگی انقلاب اسلامی ایران فرا رسیده‌است و اینک در آستانه ورود به چهل‌سالگی آن هستیم؛ انقلابی که در ابتدا با شعار استقرار «حکومت اسلامی» و پس از آن «جمهوری اسلامی» در برابر نظام سلطنتی و فردیت در قدرت، در تلاش برای بازخوانی و بازگشت به الگوهای اصیل اسلامی و ایجاد هم‌خوانی میان آن الگو با ساختارهای مدرنی چون جمهوریت برآمده بود؛ انقلابی که در کنار اسلامی‌بودن، جمهوری‌شدن را نیز ندا می‌داد. تغییر ساختارهای سیاسی در ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی اهمیت پرداختن به پیشینه‌های ظهور گفت‌وگوهای سیاسی آن الگو را لازم می‌سازد. به راستی ریشه‌های گفت‌وگوهای «جمهوریت» یا «جمهوری» در تاریخ ایران معاصر به کجا بازمی‌گردد؟ برای نخستین بار چه کسانی به تبلیغ، ترویج و قرائت نویسن آن پرداختند و با به کارگیری آن اصطلاحات، زمینه آگاهی و آشنایی جامعه ایران با آن فراهم آوردند؟

بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در اواخر دوره ناصری و حدود سال‌های ۱۲۶۰ شمسی به بعد، دگراندیشان و منتقدان سیاسی دولت ناصری با بهره‌گیری از الگوهای سیاسی مدرن، به خصوص تقلید از ساختارهای انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه، در حال تولید واژگان و گفت‌وگوهای سیاسی جدید هستند. تأثیرپذیری از برخی ساختارهای سیاسی انقلاب فرانسه

مصلحت و جمهوریت عاملان دوام دولت اسلامی در ایران

ادامه از صفحه ۱

نوظهور اجتماعی و اقشاری مدرن است که در جامعه‌ای مدرن و در عصری مدرن واقع شده و لذا برای کسب مشروعیت این ضرورت وجود داشته و دارد که از صرف اندیشه‌های سنتی و دینی خود با قرائت‌های کلاسیک فرائز رفته و گفتمان و کنش انضمامی خویش را با مفاهیم مدرن آشتی دهند. از مهم‌ترین آن‌ها آشتی روحانیت با جمهوریت بود. دولت اسلامی بدون قید جمهوریت شانس اندکی برای برقراری و مانایی داشت و نمی‌توانست ائتلاف اجتماعی فراگیر لازم برای براندازی دولت پهلوی را شکل دهد. احتمالاً همین ملاحظه امام خمینی و روحانیت انقلابی بیرامون وی را از زاویه مصلحت، مجاب به پذیرش تکنولوژی سیاسی جمهوریت نمود. نظام سیاسی شکل گرفته در پی انقلاب اسلامی ساخت قدرت دولتی منحصر به فردی است؛ امری که پیامد طبیعی انقلابی است که دولت جمهوری اسلامی بر روی آن بنا گردیده است. انقلاب اسلامی حاصل یک ائتلاف چند پایه طبقاتی با نقش محوری روحانیت انقلابی به عنوان حلقه وصل این ائتلاف فراگیر بوده است. انقلابی چند طبقه‌ای که نیروهای اجتماعی مشارکت‌کننده در آن طیف متنوعی از آرمان‌ها، آرزوها و خواسته‌ها را طلب می‌نمودند. بالطبع این علایق گوناگون چه در تدوین قانون اساسی در بُعد حقوقی و چه در نهادسازی و صورت‌بندی ساخت قدرت دولتی اثر بارز خود را گذاشت. علقه‌ها و ارزش‌های مختلفی که در مبنای دوگانه مشروعیت و ساخت دوگانه قدرت دولتی در دولت جمهوری اسلامی آشکارا متجلی است. از لحاظ شکل حکومت، دولت جمهوری اسلامی یک نظام «مختلط‌ریاستی-پارلمانی» است. از سوی رئیس‌جمهور مانند نظام‌های ریاستی با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و از سوی دیگر پارلمان دولت جمهوری اسلامی، موسوم به «مجلس شورای اسلامی»، امکان‌ات حقوقی گسترده‌ای برای نظارت بر قوه مجریه را داراست. قرار گرفتن دو عنصر «شورای روحانیتی» (شورای نگهبان) و «فقیه‌ی پر قدرت» (ولی فقیه) در رأس هرم قدرت و بر فراز سایر قوا در این ساخت مختلط ریاستی-پارلمانی، صورت‌بندی را منجر گشته که از حیث حوزه مطالعاتی سیاست تطبیقی، کاملاً منحصر به فرد و بی‌مانند است.

بنا بر ادعای این مقال، برای تبیین علّی

میلیون برسانند. پیش از آن تنها کاندیدایی که طی انتخابات‌های غیررقابتی پیشین در جایگاه نقر دوم رأیی هفت رقمی را کسب کرده بود، محمود کاشانی با ۱.۴ میلیون رأی در انتخابات ۱۳۶۴ بود. این روند رقابتی شدن با انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶ به اوج خود رسید و از آن تاریخ تا اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۶ کارزارهای انتخاباتی در دوره دولت جمهوری اسلامی دائماً داغ‌تر، رقابتی‌تر و منشأ روی کار آمدن کارگزارانی در قوه مجریه و نمایندگانی در پارلمان دولت جمهوری اسلامی با پایگاه‌های اجتماعی، شعارها و برنامه‌های بسیار متفاوتی در ادوار مختلف شده است.

در کنار عنصر فقیه‌سالارانه، دولت جمهوری اسلامی واجد عنصر دموکراتیک نیرومندی در ساخت حقوقی و سیاسی خود است که در نهاد انتخابات برای تعیین متصدیان دو قوه مجریه و مقننه تجلی می‌یابد. نهاد انتخاباتی که به علت وجود شکاف در هیئت حاکمه از اوایل دهه هفتاد به این سو مانع از برگزاری انتخابات در اشکالی صوری شده است و عملاً کارزارهای انتخاباتی را در دوره دولت جمهوری اسلامی نه تنها خصیصه‌ای رقابتی بخشیده بلکه گاه آن را تا حد ستیزهای بنیان‌نگران‌ه ارتقاء بخشیده است. به طوری که به تعبیر حسین بشیریه، مشارکت سیاسی در نهاد انتخاباتی با این مختصات نیازمند مشارکتی گروهی و پیدایش نوعی از جامعه‌ی مدنی است. اتفاقی که در دوره دولت جمهوری اسلامی رخ داده است و عرصه سیاست از دهه هفتاد به این سو محدود به حلقه‌ها و دوره‌های سیاسی خاص نشده‌اند و احزاب و تشکل‌های گوناگونی سربر آورده‌اند.

بدین ترتیب بنا بر آنچه شرح آن رفت، جمهوریت دولت اسلامی با شکل‌دهی به نهاد انتخابات، نهاد انتخابات با فراهم آوردن بستری از رقابت و ستیز گفتگویی، سیاسی و تشدید شکاف میان نخبگان حاکمه، عنصر رقابتی نهاد انتخابات با شکل‌دهی به گونه‌ای از جامعه مدنی مدرن در جامعه ایران مانع از جمود ایدئولوژیک دولت اسلامی و بیگانگی و قطع پیوند بسیاری از اقشار اجتماعی با دولت جمهوری اسلامی ایران گردیده است. امری که بنا بر ادعای این مقاله در «دایره مصلحت» امکان حیات و تجلی یافته و رمز مانایی و پایداری دولت اسلامی گشته است که امام خمینی و روحانیت انقلابی بنیان آن را ریخته‌اند.

برای نخستین بار جایزه سوئدی موسیقی پولار مشهور به نوبل دنیای موسیقی به یک گروه موسیقی متال اهدا می‌شود. به گزارش خبرگزاری خبر آنلاین، گروه موسیقی «متالیکا» یکی از معتبرترین جوایز دنیای موسیقی را دریافت می‌کند. سازمان‌دهندگان جایزه پولار اعلام کردند این گروه موسیقی در ماه ژوئن جایزه ۹۰ هزار پوندی خود را در استکهلم دریافت خواهند کرد. آن‌ها نخستین گروه موسیقی متالی هستند که این جایزه را دریافت می‌کنند. پیش از این چهره‌های سرشناسی چون پل مک‌کارتنی، جان میچل، چاک بری و بی‌بی کینگ برنده جایزه پولار شده‌اند. متالیکا با فروش ۱۲۵ میلیون آلبوم در ۳۰ سال گذشته از محبوب‌ترین‌های دنیای موسیقی هستند. دیگر چهره مورد تقدیر در این دوره از جایزه موسیقی پولار از کشور افغانستان خواهد بود. امسال جایزه موسیقی کلاسیک پولار به احمد سرمست، بنیان‌گذار سازمان ملی موسیقی افغانستان اهدا خواهد شد. سازمان ملی موسیقی افغانستان روی آموزش کودکان بی‌سرپرست تمرکز دارد.



پلی از هنراول به هنر هفتم

نگاهی به موسیقی برخی از فیلم‌های جشنواره فجر

دارد. از سوی دیگر، پسر همراه با سازهای بادی می‌آید، تا هم جوانی و غرور و خشمش را به نمایش بگذارد و هم دل‌تنگی اش برای خانواده‌ای که از آن‌ها دور است. از بهترین لحظات موسیقی این فیلم، می‌توان به سکانس خارج شدن قفس‌ها از هواپیما و رهایی آن‌ها در آسمان اشاره کرد که صدای عود در کنار سازهای زهی و کوبه‌ای و... به خوبی بر فیلم نشست است و بعد به صدای بوق‌های ممتد هواپیما ختم می‌شود. همین طور سکانس انفجار هواپیما و شهادت علی (بابک حمیدیان) و اتصال آن به تصاویر پسر بچه‌ای که سوار دوچرخه است و مزارع شمال، همراه با پیانو و ویولن سل از لحظات خوب موسیقی به وقت شام است.

تنگه ابوقریب

پسرک بعد از پایان نیمروز جان فرسای ابوقریب ایستاده است به تماشای مهیب صحنه پیش رو با تفنگی بر شانه و وحشتی از مواجهه‌ای سهمناک با واقعیت جنگ، پسری که تا دیروز مرد نبوده و امروز به ناگهان دنیایش زیر و زبر شده است. جهان زیر و رو شده را با جانش لمس کرده، جنگ را با وجودش چشیده و بخشی از آن شده است، حالا در این تنهایی شگرف، موسیقی نواخته می‌شود. موسیقی که با تمام توان قرار است این وضعیت را در مواجهه با زندگی و جنگ نشان دهد. آرشه ویولن سل که همگام با زانوه‌های بلاتکلیف و لرزان پسر کشیده می‌شود و ویولن‌هایی که با ضربه هایشان مارش را می‌نوازند تا قدم‌های پسرک محکم شود، تا زندگی با تمام توانش جلو بیاید و خودش را تحمیل کند. سپس سازهای کوبه‌ای برای روزی که رو به پایان است، برای سختی که به چشم آمده است، برای اینکه قدم‌های پسرک و تمام آن‌ها که مانده‌اند راسخ‌تر شود، برای آن که کسی یادش نرود چه گذشته است، حاضر می‌شوند و می‌گویند. کلارینت نیز که بسیار انتخاب درستی است برای آن‌ها که رفته‌اند و خاطره‌شان هم چون خورشید در وسط آسمان است. حامد ثابت آهنگساز تنگه ابوقریب است. از روزی که وارد سینما شده تا به امروز، موسیقی‌های خوب بسیاری به سینمای ایران هدیه کرده است، از «پرسه در مه» تا «اینجا بدون من»، از «برادرم خسرو» تا «آلادت نمی‌کنیم»، اما در میان کارهای او و همکاری‌های بسیاری با بهرام توکلی، موسیقی تنگه ابوقریب جایگاهی ویژه دارد، یک موسیقی پخته و در عین حال جاندار. در این میان، البته نباید از آرشه‌ای که مهرداد عالمی بر ویولن سل کشیده و کلارینتی که هادی ثابت نواخته است، گذشت.

بر این، طراحی صحنه و فضا سازی نوستالژیک فیلم هم به باورپذیری صحنه‌ها کمک کرده است. موسیقی‌های کارائیندرو هم به دلیل نزدیکی خاستگاه موسیقی یونان به موسیقی ترکیه و ایران، نه تنها از این حال و هوا دور نیست، بلکه با استفاده از فرم ساده‌ای هم چون والس و همین‌طور سازهایی هم چون ایوا و کلارینت - که از موسیقی ایرانی جدا نیستند - و همچنین ویولن سل که در فضا سازی سینمایی همیشه موفق است، توانسته خوب عمل کند. اصلی‌ترین و مهم‌ترین ویژگی موسیقی کارائیندرو را باید در یکپارچگی آن دانست که با وجود تعریف سازهای مختلف برای بیان صحنه‌های متفاوت، توانسته پیوستگی موسیقایی فیلم را حفظ کند و از این نظر، شاید کلاس درسی باشد برای برخی از آهنگسازان سینمای ایران. قطعاً موسیقی کارائیندرو از به یاد ماندنی‌ترین آثار او برای سینما نیست، اما در موسیقی سینمای ایران اثری است که نمی‌توان به آن ایرادی وارد دانست و به خوبی به وظیفه موسیقایی - سینمایی اش عمل کرده است؛ هرچند می‌توانست با بهره‌گیری از ملودی به یاد ماندنی‌تر، موسیقی بمب؛ یک عاشقانه را در سینمای ایران ماندگار کند.

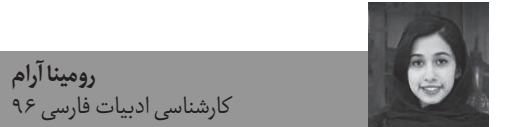
به وقت شام

موسیقی متن فیلم به وقت شام، سیمرخ این دوره را برای سازنده اش به ارمغان آورد. بعید است که موسیقی این فیلم، بهترین ساخته کارن همایونفر باشد، آهنگسازی که در کارنامه اش موسیقی‌هایی هم چون «برف روی کاج‌ها»، «روز سوم» و «سلطان» را دارد که تأثیرگذاری آن‌ها بر روی تصاویر و بدون آن‌ها نیز به یاد ماندنی بود. با این حال، موسیقی فیلم آخرین ساخته ابراهیم حاتم‌کیا، موسیقی خوش‌ساخت، حرفه‌ای و پر حجمی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از آن جا که صحنه‌های اکشن، بیشترین حجم تصاویر را به خود اختصاص داده‌اند، موسیقی هم که به فراخور این صحنه‌ها استفاده شده است، حجم وسیعی دارد. با این وجود، کارن همایونفر تمامی تلاشش را کرده است که مخاطب، کمتر آزار بیند و باری بیش از این به تماشاگر تحمیل نکند. او همچنین برای دو شخصیت اصلی فیلم (پدر و پسر که رابطه‌ای ویژه با هم دارند) سازهای مشخصی را در نظر گرفته است. همراه با صحبت‌ها، دلتنگی‌ها، نگرانی‌ها و نصیحت‌های پدر، ویولن سل شنیده می‌شود که اتفاقاً انتخاب خوبی است، چرا که وزن لازم را برای شخصیت‌پردازی پدرانه دارد؛ صدای آن نه به زبری صدای ویولن است و نه سختی و زبری ایوا و کلارینت را

افکت‌های صوتی و سازهای موسیقی است که بسیار حرفه‌ای از آب درآمده است. تلفیق دو جنس ناهمگون یکی با پدهای صوتی و صداهای «هام» و دیگری با استفاده از صوت لطیف‌ترین انواع سازها هم چون ماندولین. اوج این ترکیب غریب در سکانس دعوای گروهی آدم‌های شکور (فرهاد اصلانی) و گروه مقابل است که بی‌شابهت به دار و دسته‌های نیوپور کی نیست، همین‌طور در این فیلم باید به سکوت‌های جایگزین موسیقی نیز اشاره کرد که البته هنر توأمان کارگردان و آهنگساز است. هومن سیدی همواره نشان داده است که برای موسیقی ارج و قربی ویژه قائل است. در مغزهای کوچک زنگ‌زده نیز همین اصل حاکم است. در سکانس‌هایی که شاهین (نوید محمدزاده) نظاره‌گر خانه به هم ریخته است، جز سکوت چیزی همراه تصاویر نیست. در چنین فضای سیاه، غریب و تاریکی، آمدن آوازهای بدوی (Primitive) که بی‌شابهت به موسیقی آفریقای جنوبی نیست، کاربرد دارد. در پایان فیلم هم ترانه تیتراژ را «رضا کولغانی» خواننده خوب و جنوبی گروه «داماهی» خوانده که برای اجرای جنون‌مند بسیاری از قطعات همیشه اعلام آمادگی کرده است. او «کیو کیو بنگ بنگ» را خوانده که نه تنها ایرانی‌ها بلکه مخصوص فضای خشن و تاریک جنوب شهر تهران اجرا شده است.

بمب؛ یک عاشقانه

پیش از آغاز جشنواره، بابت حضور النی کارائیندرو (آهنگساز مهم و معروف موسیقی فیلم) در مقام آهنگساز بمب؛ یک عاشقانه، بسیار مانور داده شد؛ آهنگساز بزرگ یونانی که برای نخستین بار برای اثری در سینمای ایران موسیقی ساخته‌است. آثار النی کارائیندرو به خصوص برای شنوندگان جدی موسیقی در ایران آشنا است و قطعاً را که او به صورت ویژه برای فیلم‌های آنجلولپوس نوشته است، از یاد نخواهد رفت. تمامی نوازندگان موسیقی آخرین ساخته پیمان معادی، حتی سازهایی چون عود و کمانچه (البته عود و کمانچه یونانی) یونانی و غیر ایرانی هستند. اما جالب است که موسیقی فیلم، صدایی ناآشنا برای ایرانیان نیست. اصلی‌ترین دلیل این ماجرا را باید در تأثیرگذاری حضور موسیقی فیلم نامه‌ای جست‌وجو کرد. بهره‌گیری بسیار خوب از موسیقی‌های سنتی دهه شصت، آوازهای استاد شجریان، نوازندگی‌های محمدرضا لطفی، بهره‌گیری از موسیقی‌های محلی که توسط کاراکترهایی هم چون معلم مدرسه اجرا می‌شود، پخش موسیقی‌هایی از رادیو و همین‌طور از ضبط صوت، چنان باند صوتی غنی‌ای برای فیلم معادی ایجاد کرده است که احساس درک موسیقی غیر ایرانی را ناممکن می‌کند. علاوه



رومینا آرام
کارشناسی ادبیات فارسی ۹۶

در روزگار گذشته و سینمای صامت، موسیقی صرفاً ابزاری برای پوشاندن صدای مزاحم دستگاه پخش و پر کردن سکوت بود اما رفته رفته به یکی از ارکان فیلم بدل شد. یک موسیقی متن خوب همان چیزی را منتقل می‌کند که هر صحنه از فیلم قصد انتقال آن را دارد و در عین حال این نقل قول وجود دارد که: «یک موسیقی متن خوب، موسیقی است که شنیده نمی‌شود» چرا که موسیقی با فیلم ترکیب شده و یک کلیت جدید را شکل می‌دهد. با توجه به اهمیت مبحث موسیقی فیلم و گذر از سی و ششمین جشنواره موسیقی فیلم فجر، بر آن شدم تا نگاهی گذرا به موسیقی برخی از فیلم‌های جشنواره امسال بیندازم.

شعله‌ور

موسیقی شعله‌ور در تیتراژ با فضای الکترونیک آغاز می‌شود. فضایی که بارها سهراب پورناظری آن را در فیلم‌های حمید نعمت‌الله به خصوص فیلم‌های اخیرش همچون «آرایش غلیظ» و «رگ خواب» تجربه کرده‌است. در یک سوم آغازین فیلم، حضور موسیقی محدود به تماس‌های کوتاه صوتی است با موسیقی‌های مختلف از گروه پالت (که در میهمانی در حال پخش است) و البته موسیقی بلوچی (که در ضبط ماشین در جاده زاهدان-زابل پخش می‌شود). اصلی‌ترین قسمت موسیقی زمانی است که به نظر می‌آید شخصیت اصلی خودش را پیدا می‌کند و با باور به اینکه فرزندش - که تنها دارایی واقعی‌اش است - در حال از دست رفتن است، شروع به دویدن در بیابان می‌کند. این سلوک فردی همراه است با یک ملودی آرام در همراهی با سازهای زهی و بعد شنیدن این جمله: «خسته شدم از بس دویدم، باید استراحت کنم، باید از پله‌ها بالا برم». ویولن‌های کشدار و تیز، صدای این خستگی، صدای پله‌ها و کانتینرهای فلزی است که باید از آن‌ها بالا رفت و به «نوید» رسید. همایون شجریان، همراه این سال‌های سهراب پورناظری و حمید نعمت‌الله نیز بار دیگر در این پروژه سینمایی حضور دارد و برای نخستین بار در فضای تلفیقی موسیقی محلی سیستان و بلوچستان، سازهای الکترونیک و موسیقی راک و البته موسیقی کلاسیک ایرانی، آواز سر داده است.

مغزهای کوچک رنگ زده

یکی از مهم‌ترین نکاتی که می‌توان درباره موسیقی مغزهای کوچک رنگ‌زده به آن اشاره کرد، تلفیق

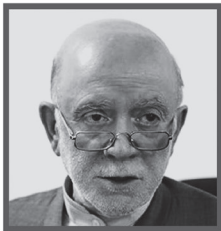
در هزارتوی انقلاب

اصلاحات در رژیم پهلوی؛ امکان یا امتناع؟

محمدنبی حبیبی

دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی

فعال سیاسی اصولگرا



دکتر صادق زیباکلام

عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

فعال سیاسی اصلاح طلب

دوشنبه ۳۰ بهمن ماه، ساعت ۱۵ | دانشگاه فردوسی، آمفی تئاتر دانشکده مهندسی

از دریای تا کویر

بررسی پیامدهای طرح‌های انتقال آب دریای خزر و عمان و تأثیرات آن بر محیط زیست

مهندس مهدی جمشیدی

مدیرعامل سازمان مردم‌نهاد جمعیت ناجیان آب



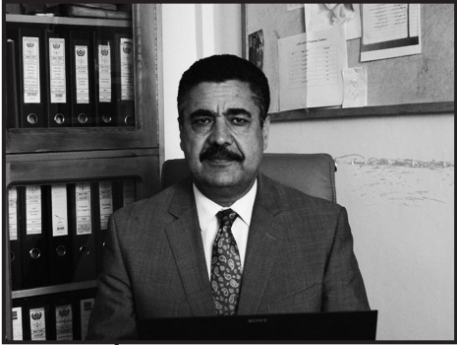
دکتر سعید نیریزی

رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت مهندسی مشاور طوس آب

چهارشنبه ۲ اسفند ماه، ساعت ۱۲ | آمفی تئاتر دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست



انستیتوت ملی موسیقی افغانستان جایگاه ۱۸ام را در میان صد مکتب برتر جهان به دست آورد



به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، انستیتوت ملی موسیقی افغانستان را «نهاد هندر» پس از دو سال پژوهش و بررسی در جایگاه هجدهم برترین مکتب‌های جهان قرار داد. ناصر سرمست، مسئول انستیتوت ملی موسیقی افغانستان گفته است که نهاد غیر دولتی هندر نام انستیتوت ملی موسیقی افغانستان را در جایگاه هجدهم در بین ۱۰۰ مکتب برتر جهان قرار داده است. لازم به ذکر است که پیش از این انستیتوت ملی موسیقی افغانستان به آریانا سعید، تندیس شجاع‌ترین آواز خوان زن را در افغانستان داده بود.

خروش چنگ‌ها و سکوت‌ها

نگاهی به سرودهای انقلابی و کارکرد موسیقی در انقلاب

ایران، به عنوان خواننده این سرود را اجرا کرد. به گفته خشنود، روند سروده شدن ترانه و آهنگ‌سازی و ضبط این سرود، تنها یک صبح تا شب زمان برده‌است. فریدون خشنود نقل می‌کند: «تنها صدایی که در آن شب‌های تاریک، خلوت و سرد شنیده می‌شد، صدای الله اکبر و رگبار مسلسل بود که گاهی قطع می‌شد و گاهی با هم آوایی چندین نفر ادامه می‌یافت». خشنود که دانش آموخته رشته موسیقی است، ادامه می‌دهد: «به عنوان یک آهنگساز، تحت تأثیر هارمونی و هماهنگی صدای الله اکبر از پشت بام خانه‌ها قرار گرفتم. از طرفی به نوازنده‌های ارکستر سمفونیک دسترسی نداشتیم، لذا مجبور شدیم با طبل و سنج و بعد مقداری زنجیر که به داخل استودیو برده بودیم موسیقی بسازیم. درها را محکم بستیم و شروع به ضبط آهنگ در این استودیو کردیم».

یکی از عوامل یکپارچگی مردمی و تهییج آن‌ها در رسیدن به آرمان و هدف متعالی انقلاب اسلامی، موسیقی و تولید سرودهای انقلابی بود که البته آهنگ‌سازان و تولیدکنندگان این قطعات به شکل ریتمیک با الهام از همان شعارها و غریب‌های انقلابی مردم ایران به این امر اهتمام داشته‌اند. نقش موسیقی در جریان انقلاب اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت، سرودها و آهنگ‌هایی که در آن دوران باعث اتحاد و تقویت روحیه استکبار ستیزی مردم می‌شد و بعد از گذشت سالیان سال، همچنان هم در ذهن مردم ماندگار است. به طور کلی می‌توان گفت هنر و جریان‌های سیاسی اجتماعی، تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند؛ موسیقی به پیشبرد این جریان‌ها کمک شایانی می‌کند و این جریان‌ها هم موسیقی را در آن جامعه دست خوش تغییر می‌کنند.



دیگر اقتباس شده است. به طور مثال سرود مشهور «برپاخیز از جاکن بنای کاخ دشمن» که در ایران با آهنگسازی محمدرضا علیقی مشهور شد، در ابتدا سرود خلق متحد مردم شیلی بوده است و سرچینو اورتگا برای نخستین بار آن را سروده بود.

ویژگی مشترک و قابل توجه سرودهای انقلابی، نحوه شکل‌گیری، ضبط و تولید آن‌ها است. اغلب این سرودها با کم‌ترین امکانات ممکن و در کم‌ترین زمان تولید، ضبط و منتشر می‌شدند. سطور زیر روایتی است از نحوه و روند شکل‌گیری سرود «ایران ایران ایران، رگبار مسلسل‌ها» که فریدون خشنود، آهنگساز آن بود و رضا رویگری، بازیگر آن روزهای

همان محتوا را به صورت سرودها و ترانه‌های انقلابی بازتولید می‌کردند. این موضوع را می‌توان به وضوح در سخنان محمدرضا گلریز، خواننده بسیاری از سرودهای انقلاب مشاهده کرد. به گفته وی، در آن فضای انقلابی درکی از خلق و تولید آثار انقلابی نبود و بیش‌تر از شعارهای مردمی و موسیقی مردمی کمک گرفته می‌شد. بهتر است بگوییم این نوع موسیقی چارچوب خاصی نداشت و تکلیف اغلب اشعار معلوم بود چرا که مضمونی انقلابی و حماسی داشتند. مثلاً برای خلق سروده «بانگ آزادی» از شعارهای مردمی کمک گرفته شده است. بسیاری از سرودهای انقلابی ایران معمولاً متأثر از سرودهای مطرح‌تر کشورهای

امیررضا کرامتی
کارشناسی حسابداری ۹۲



تصور کنید در ذهن خود به مطالبه‌ای که از حکومت دارید، فکر می‌کنید و در پی این اندیشه، حسی را تجربه می‌کنید. حال تصور کنید این مطالبه را به زبان بیاورید، چاشنی آهنگ و موسیقی را به آن اضافه کنید و هماهنگ با جمعیت، آن را فریاد کنید. بی‌شک با این کار، اثرگذاری کلام دو چندان خواهد شد. انسان غالباً هنر را به عنوان شیوه‌ای برای بیان افکار و احساسات خود انتخاب می‌کند. در این میان، موسیقی یکی از اشکال گوناگون هنر است که بنا به شواهد علمی بخش‌هایی از مغز را که با احساسات در ارتباط است، تحت تأثیر قرار می‌دهد و آن‌ها را فعال می‌کند. موسیقی یک زبان عمومی است و در برهه‌های مختلف به عنوان زبان مشترک گروهی از مردم با اهداف یا احساسات مشترک، نقش خود را ایفا کرده است. از همین رو است که در زمان رویدادهای مهم، از پایکوبی جشن‌ها و پیروزی‌های ورزشی گرفته تا اندوه حوادث و بلایای طبیعی، از زبان موسیقی استفاده می‌شود.

در بزنگاه‌های سیاسی نیز موسیقی همواره یکی از اهرم‌های قابل اتکا است. چه در زمان جنگ که برای مثال موسیقی راک بر اثر اعتراض و خشم موجود بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد و چه در ایام انتخابات و ایجاد شور در میان مردم و چه در مقیاس بزرگ‌تر و هنگام انقلاب‌ها. در انقلاب ایران نیز مردم احساسات و مطالبات خود را در قالب این زبان و به عنوان شعار فریاد می‌زدند و هنرمندان نیز با شنیدن این صداها و پس از کمی آراستن،

نیم‌نگاهی به سی‌وسومین جشنواره موسیقی فجر

آن در این نوشتار وجود ندارد. پس از ده روز اجرای گروه‌های مختلف، اختتامیه سی و سومین جشنواره موسیقی فجر در سی دی ماه با معرفی برگزیدگان به پایان رسید. از جمله برگزیدگان این جشنواره می‌توان به پریسا پیرزاده در بخش نوازندگی کلاسیک برای آلبوم «وکالیز»، میلاد درخشانی به عنوان بهترین آهنگساز موسیقی معاصر بی‌کلام برای آلبوم «نقطه پرگار»، کاوه صالحی به عنوان بهترین آهنگساز موسیقی باکلام برای آلبوم «این هم حکایتی است»، علیرضا قربانی به عنوان بهترین خواننده موسیقی معاصر با کلام برای آلبوم «فروغ»، قاسم رحیم زاده به عنوان بهترین آهنگساز موسیقی دستگاهی بی‌کلام برای آلبوم «آواز رود»، سالار عقیلی برای آلبوم «میهن» و وحید تاج برای آلبوم «عشق زنده باید» به صورت مشترک به عنوان بهترین خواننده موسیقی دستگاهی، اشاره کرد. در این جشنواره، مهدی یراحی برای آلبوم «آینه قدی» به عنوان بهترین خواننده موسیقی پاپ معرفی شد. همچنین عنوان بهترین آهنگساز موسیقی پاپ در این جشنواره به کاوه یغمایی برای آلبوم «ناگهان رفته» تعلق گرفت.

گروه‌های خارجی بودیم که اجراهای پژوهشی را روی صحنه بردند. گذشته از اجراهای امسال و گروه‌های مختلفی که اجرا داشتند، نقدهایی نیز به سی و سومین جشنواره موسیقی فجر وارد بود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نبود اساسنامه و آیین‌نامه مدون برای جشنواره بود. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که گروه‌های موسیقی کلاسیک ایرانی عمدتاً کمتر شناخته شده، یکی از مهم‌ترین مکان‌های اجرا و کسب درآمد خود را جشنواره موسیقی فجر می‌دانند و لذا عدم وجود معیارهای مشخص برای دعوت از گروه‌ها و چگونگی انتخاب آن‌ها، از بحث‌های چالش برانگیز جشنواره است. نقد دیگری که در این دوره از جشنواره مطرح است، کم‌ترکی و پوشش خبری ضعیف سایت جشنواره بود و در این میان نکته جالب توجه این است که جشنواره از فیسبوک، اینستاگرام، تلگرام و توئیتر نیز برخوردار نبوده و تقریباً ارتباطی با رسانه‌های مجازی نداشته است. البته نقد‌های کمی و کیفی دیگری نیز در این دوره بر جشنواره وارد است که که مجال ذکر

البته از این موضوع نیز نباید غافل شویم که در این دوره از جشنواره، اجراهای بسیار درخشانی در حوزه موسیقی کلاسیک ایرانی برگزار شد و اساتیدی چون حمید متیسم، حسام الدین سراج، عبدالحسین مختاباد و... در تالار وحدت به اجرا پرداختند. در این دوره از جشنواره همچنین سالن ایرانیان به طور اختصاصی در اختیار هنرمندان پاپ قرار گرفت که در آن به اجرا پرداختند. در جشنواره امسال شش اجرای انقلابی صورت گرفت و در بخش موسیقی نواحی نیز دوازده گروه موسیقی اجرا داشتند که دو گروه از این‌ها، متعلق به موسیقی بانوان بود. نکته‌ای که در این دوره از جشنواره چشم‌گیر است، حضور هنرمندان به نامی از سایر کشورها در بخش بین‌الملل بود. فرانچیکو کفیسو، نوازنده ایتالیایی ساکسیفون، مانو کچه، نوازنده زیر دست درامز از فرانسه، پرویز شهیندخت از هندوستان، ارکان اوگور از ترکیه، ریکاردوری پرو از پرتغال، گروه آی سو از اتریش و... از جمله هنرمندان مطرح بین‌المللی حاضر در جشنواره بودند. همچنین در سی و سومین جشنواره موسیقی فجر، شاهد حضور

رضا ابراهیمی
کارشناسی دبیری شیمی ۹۵



جشنواره موسیقی فجر امسال از بیستم تا سی ام دی ماه در تالار وحدت برگزار شد. جشنواره‌ای که شروع آن از سال ۱۳۶۴ و با نام اولیه «جشنواره سراسری سرود و آهنگ انقلابی» بود و در نخستین دوره با شرکت ۲۰ گروه در تهران برگزار شد. جشنواره موسیقی سال جاری، در حالی برگزار شد که برخلاف عقیده بسیاری، فروش بلیط‌های بخش موسیقی کلاسیک ایرانی بیش از بخش موسیقی پاپ بود. این نکته قابل تأمل است و در ساده‌ترین تحلیل، می‌توان آن را نوعی بازگشت به سوی موسیقی کلاسیک ایرانی دانست. اگر نگاهی به جدول برنامه‌های اجرا شده در این دوره از جشنواره موسیقی فجر بیاندازیم، نکته‌ای که بسیار جلب توجه می‌کند، توجه ویژه به موسیقی ردیف دستگاهی و مقامی در این دوره از جشنواره است. به طوری که بعضی از سالن‌ها تا حد زیادی تنها به اجرای این نوع موسیقی‌ها اختصاص داده شده‌بود.

موسسه بین‌المللی راه پویندگان

مرکز تخصصی زبان‌های خارجی، امتحانات ملی و بین‌المللی



IELTS TOEFL GRE GMAT

MSRT TOLIMO MHLE TELP

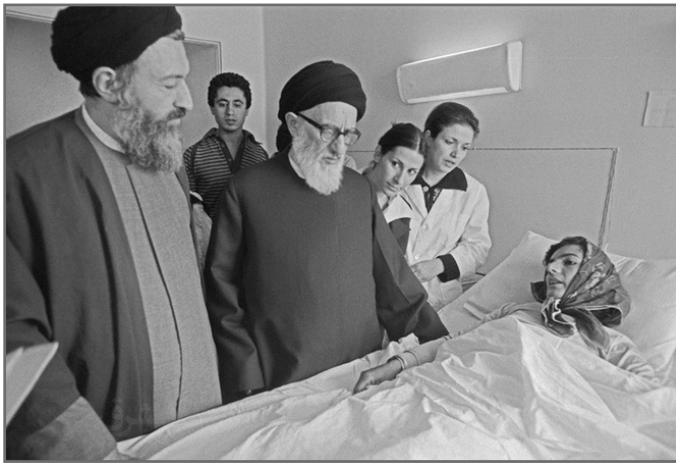
General English ISI Translation

برگزیدگان چهارمین جشنواره عکس نورنگار معرفی شدند

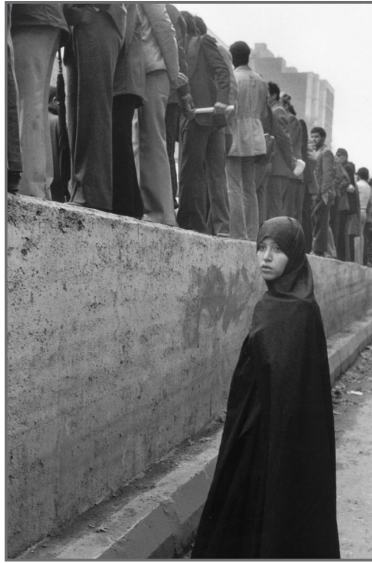


به گزارش مشاور رسانه‌ای جشنواره نورنگار، مراسم افتتاحیه نمایشگاه آثار برتر چهارمین جشنواره عکاسی نورنگار و اهدای جوایز برگزیدگان سه شنبه ۲۴ بهمن ماه با حضور محمد فروغی، مدیرعامل مجموعه نورنگار، محسن افشانی دبیر جشنواره، الهام پناهوند بازرگر و چهره‌هایی چون علیرضا کریمی صامی، کاوه فرزانه، محمود عبدالحسینی، داریوش محمدخانی و برگزیدگان در باغ موزه قصر برگزار شد. امید محمدنژاد مدیر روابط عمومی جشنواره در ابتدای مراسم توضیح داد: همان طور که از ابتدا اعلام شد، قرار بود ما مراسمی را به عنوان اختتامیه داشته باشیم اما بر اساس نظر آقای فروغی به دلیل زلزله‌ای که در کرمانشاه رخ داد، این بخش را حذف کردیم و بنا شد با کمک خانم پناهوند، هزینه اختتامیه به بهترین شکل در مناطق زلزله زده خرج شود. وی تاکید کرد: این مراسم کوچک هم بنا به تعهدی که نسبت به برندگان جشنواره برای اهدای جوایزشان داشتیم برگزار می‌شود. البته اینکه ساده دور هم جمع شده‌ایم به آن معنا نیست که نمی‌توانیم بزرگترین سالن‌ها را در اختیار بگیریم یا تشریفات بلد نیستیم. بلکه به این خاطر است که ما باید اول انسان باشیم و هنری که انسانی نباشد اساساً وجاهت آن زیر سوال است و انسانیت حکم می‌کند به جای برگزاری اختتامیه، به فکر هموطنان کرمانشاهی مان باشیم.

انقلاب از دریچه دوربین عباس عطار



آیت الله بهشتی و طالقانی، از اعضای هیات مذاکره با نیروهای های کرد، در حال عیادت از یک مجروح درگیری نیروهای کرد و دولتی، سنجندج، اسفند ۱۳۵۷ |



زنی در حاشیه تظاهرات عاشورا پیش از انقلاب، تهران، ۲۰ آذر ۱۳۵۷ |



سوزاندن عکس شاه در خیابانی در تهران، تهران، آذر ۱۳۵۷ |



آیت الله سید علی خامنه‌ای، امام جمعه تهران، ۱۳ تیر ۱۳۵۸ |



پوستر امام خمینی در تظاهرات پیش از انقلاب، تهران، بهمن ۱۳۵۷ |



طرفداران دولت جمهوری اسلامی در حال مبارزه با گروهی از عرب‌های خوزستان، خرمشهر، اردیبهشت ۱۳۵۸ |



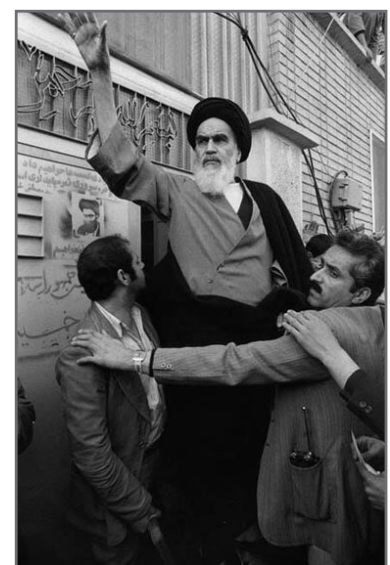
سوسن کمالی، نقاش، در حال بازدید از نمایشگاه هنر اسلامی، تهران، ۱۳۵۸ |



پسرچیه‌ای در حال تیراندازی با تفنگ بادی به طرف تصویر فرح پهلوی، دروازه غار، تابستان ۱۳۵۸ |



مردی به اتهام همکاری با ساواک در روز پیروزی انقلاب دستگیر می‌شود، ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ |





به گزارش هنر آنلاین، شصت و هشتمین دوره جشنواره فیلم برلین از پنجشنبه ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن) با اولین نمایش جهانی فیلم انیمیشن «جزیره سگ‌ها» تازه‌ترین ساخته وس اندرسن کارگردان آمریکایی آغاز شد که یکی از رقبای بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره هم است. برای نخستین بار در تاریخ برلیناله است که این رویداد سینمایی با فیلمی انیمیشن شروع می‌شود. امسال ۲۴ فیلم در بخش مسابقه برلیناله حضور دارند که در میان آن‌ها ۱۹ فیلم برای دریافت جایزه خرس طلائی و جوایز خرس نقره‌ای رقابت می‌کنند. «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی از ایران در این بخش رقابت می‌کند. حسن معجونی، لیلا حاتمی، لیلی رشیدی، پریناز ایزدیار و علی باقری در هفتمین اثر سینمایی حقیقی بازی می‌کنند که اولین بار در دنیا در برلیناله روی پرده می‌رود. فیلمنامه خوک را حقیقی نوشته و محمود کلاری مدیر فیلمبرداری آن است. حقیقی دو سال پیش نیز با فیلم «ازدها وارد می‌شود» در بخش مسابقه بین‌الملل جشنواره برلین حضور داشت. او سال ۲۰۱۲ هم با فیلم «پذیرایی ساده» در بخش فورم برلیناله شرکت کرد و فیلم او برنده جایزه تپک (شبکه تبلیغ سینمای آسیا) شد.

سی و ششمین جشن بزرگ سینمای ایران



میلاد فرهادیان
کارشناسی مهندسی عمران ۹۱

سیمرغ‌های سی و ششمین جشنواره فیلم فجر یکشنبه شب بیست و دوم بهمن ماه در حالی بر دوش برترین‌های جشنواره نشستند که امسال نیز عدم شرکت بعضی از کارگردانان سرشناس سینما و آثارشان در جشنواره، انتخاب بعضی فیلم‌های متوسط توسط هیئت انتخابی، ساز و کار اجرایی جشنواره و در نهایت انتخاب برترین‌ها از دیدگاه هیئت داوران مانند سال‌های گذشته محل مناقشات بسیار زیادی میان مردم و اهالی سینما بود. حضور بیست و دو فیلم در بخش سودای سیمرغ و حذف بخش‌های جانبی جشنواره نظیر هنر و تجربه و نگاه نو، برگزاری جشنواره سی و ششم را نسبت به سال‌های گذشته منسجم و فشرده‌تر کرد. علی‌رغم این که عده‌ای خروج جشنواره از برج میلاد را نکته‌ای مثبت تلقی می‌کنند، اما جداسازی پردیس هنرمندان، خبرنگاران و مردم از یکدیگر و مشکلات عمده خبرنگاران در پوشش مطلوب جشنواره در پردیس ملت، عملاً برای چندمین بار این موضوع را به مدیران فرهنگی کشور یادآور شد که بزرگ‌ترین جشنواره فیلم کشور و چه بسا خاورمیانه بدون تردید احتیاج به یک کاخ دائمی برای برگزاری مطلوب این رویداد فرهنگی دارد. سکان برنامه «هفت» امسال نیز که در ابتدا گفته شده بود قرار است به مهران مدیری برسد، ناگهان در اختیار رضا رشیدپور قرار می‌گیرد، مجری که شاید به سبب عدم تخصصش در حوزه سینما، چالش‌ها یا به عبارتی درگیری‌های سال‌های گذشته این برنامه را به حداقل رساند. رشیدپور در همان برنامه‌های ابتدایی نیز چندین بار از پرهیز خود از به راه انداختن جنگ گلابیاتورها صحبت می‌کند و می‌گوید تصمیم دارد تا زیبایی‌های این فستیوال را به کام مردم تلخ نکند. بخش نقد فیلم‌های برنامه نیز با حضور منتقدین منفعل، به جای نقد به معرفی چند دقیقه‌ای فیلم‌ها بسنده می‌کند و در عمل هفت امسال را در حوزه نقد به ناموفق‌ترین برنامه هفت از زمان اجرای فریدون جیرانی تا کنون تبدیل می‌کند! برنامه‌ای که اساساً مفهوم نقد را از یاد برده است و صرفاً به اظهار نظرهای بسیار سطحی و امتیازدهی‌های مضحک در مورد فیلم‌ها بسنده می‌کند.

در همان روزهای نخست جشنواره، اظهار نظرها و نقد پیرامون فیلم‌های شاخص جشنواره آغاز شد. محمدحسین مهدویان که بدون تردید با دو فیلم قبلی خود پدیده جشنواره‌های اخیر فجر بوده است، امسال با «لاتاری» به جشنواره آمد. فیلمی که از جنس ساخته‌های قبلی او نیست و در پایان نیز سوالات زیادی را برای مخاطبینش به جا گذاشت از جمله اینکه آیا این فیلم با آن پایان بندی اگزوتیک، امکان نمایش را خواهد داشت و آیا اساساً لاتاری تصویر درستی از چهره ایران در سینما ارائه می‌دهد؟ ابراهیم حاتمی‌کیا هم که چند سالی است با حمایت سازمان هنری اوج از سینمای اجتماعی دفاع مقدس به سینمای اکشن روی آورده است، این بار با پیش چشم داشتن مدافعان حرم، فیلم «به وقت شام» را به جشنواره ارائه کرد. فیلمی که به عقیده اغلب منتقدین بیش از اندازه از حاتمی‌کیا گذشته دور شده است؛ تا حدی که شخصیت‌های داستان خود را از یاد می‌برد و به روایت اتفاقات بسنده می‌کند. هرچند پیشرفت حاتمی‌کیا در تکنیک کارگردانی در این سال‌ها غیر قابل انکار است. حمید نعمت‌الله نیز در چهارمین همکاری خود با هادی مقدم دوست، همان قدر که در «رگ خواب» به سراغ داستانی با محوریت زن رفته بود، این بار ذهنیات و درونیات یک مرد را روایت می‌کند. بازی امین حیایی و فیلمبرداری خوب، در کنار آهنگسازی در فضای همیشگی فیلم‌های نعمت‌الله که پور ناظری به خوبی از عهده آن برآمده است، نقاط قوت «شعله ور» است. هرچند شعله ور، علاقمندان به سینمای نعمت‌الله را به اندازه انتظارشان راضی نمی‌کند. محمدعلی باشه آهنگر بعد از فیلم‌های تحسین شده «بیداری رویاها» و «ملکه»، باز هم نگرش متفاوت خود را از دفاع مقدس به رخ





باشگاه مخاطبان



ادبی

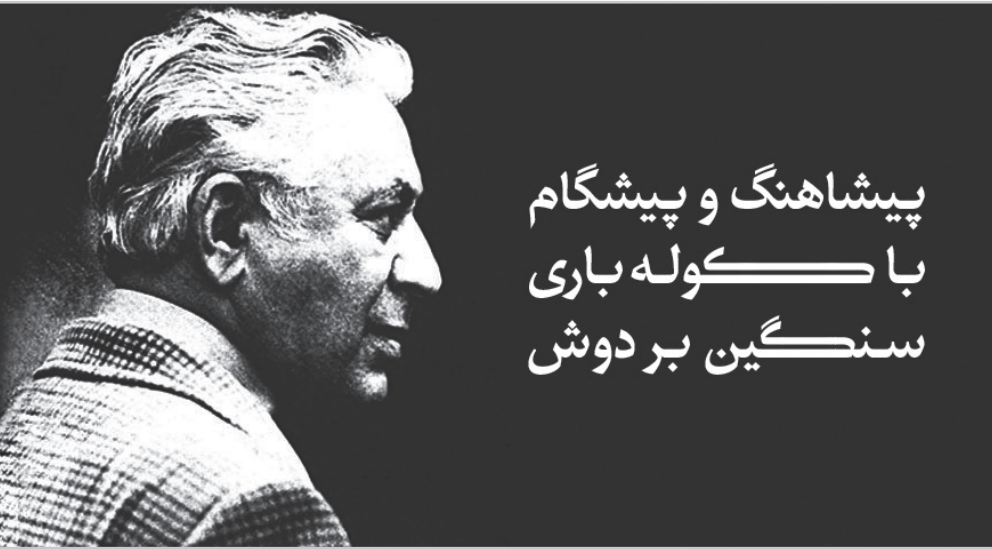
رنالیسم: پیش به سوی فلسفه قرن بیستم

علیرضا محولاتی

کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی ۹۵



در این یادداشت به بحث درباره رنالیسم در ادبیات می‌پردازم. همان طور که در دو یادداشت گذشته ذکر شد، از زمان شروع رمانتیسیسم، نوعی نگاه انتقادی وارد حوزه هنر و ادبیات می‌شود. هر نوع مکتب و نگاه ادبی و هنری که ظهور می‌کند واکنشی است به آنچه پیش از این به منصفه ظهور آمده‌است. رنالیسم واکنشی مسلم به دو مکتب ایدئالیسم و رمانتیسیسم است و گفتگویی را شکل می‌دهد که به طرد هر گونه نگاه اغراق آمیز و صنعت‌گونه و خیال‌انگیز به ادبیات می‌پردازد. رنالیسم در لغت به معنای «واقع باوری» است. معنای این گونه ادبی در خود آن نهفته است. روایت‌ها در مورد بنیان‌گذاران این نوع نگاه به ادبیات مختلف‌اند. اما آنچه در بیشتر متون مربوط به تاریخ ادبیات جهان دیده می‌شود این است که این مکتب در اوایل قرن نوزدهم در آثار برخی نویسندگان متیلور شد که نام آن‌ها به هیچ عنوان حتی برای دنبال‌کنندگان حرفه‌ای ادبیات نیز آشنا نیست. شافلوری، مورژ و دورانتی از جمله این نویسندگان بودند که در رشد و نمو مکتب رنالیسم تأثیر به‌سزایی داشتند. بزرگترین نویسنده رنالیست در این دوره گوستاو فلویبر فرانسوی است که اثر ماندگار او با نام «مادام بوواری» جزء آثار شاخص دوره رنالیسم به حساب می‌آید. فلویبر به شدت از نویسندگانی که قادر نبودند از احساسات و خیال ذهنی خود برای نوشتن یک اثر فاصله بگیرند، متنفر بود. از نظر او اثر ادبی یا هنری باید بازنمایی کامل آن پدیده‌هایی باشد که در محیط بیرون اتفاق می‌افتد. چشمان هنرمند باید همچون یک دوربین عکاسی عمل کند، نه چیزی اضافه و نه چیزی کم. نویسنده واقع‌گرا با بدنه اجتماع اتصال بسیار محکمی دارد. با شروع دوره رنالیسم جدال بین خیال و آنچه امر واقع نام دارد آغاز شد. واقع‌گرایان بر این باور بوده و هستند که کار هنرمند تماشا کردن است؛ نویسنده به مثابه یک تماشاگر تمام اتفاقات بیرون را جدا از هر گونه سوبژکتیو (ذهن‌گرایی) به تصویر کشیده و به حوزه نوشتار وارد می‌کند. نویسنده واقع‌گرا علل و عوامل اتفاقات اجتماعی را بررسی و آن‌ها را نیز وارد اثر خود می‌کند. در این جا این سوال به ذهن متبادر می‌شود که آیا تشریح جزء به جزء واقعیت منجر به ابتذال یک اثر می‌شود یا خیر؟ بالزاک که به عنوان یکی از سردمداران مکتب رنالیسم به شمار می‌آید معتقد به دستکاری است. دستکاری نه در اصل واقعیت که در نوشتار برای پرهیز و جلوگیری از توصیفات اضافه‌ای که احتمال دارد متن را به قهقرا برده و آن را به امری مبتذل مبدل کند. رنالیسم جریان‌ی است که به نوعی محسوس نوشتار را با امر سیاسی پیوند می‌دهد و نقادانه به واسازی امر اجتماعی دست می‌زند. اهمیت مکتب رنالیسم در تاریخ ادبیات جهان به قدری است که به واقع نوع اندیشه انسانی را می‌توان به قبل و بعد آن تقسیم کرد. این دوره در ادبیات جهان دو شاخه دیگر را به جریان‌های ادبی افزوده است. همان طور که گفته شد از بزرگترین سردمداران رنالیسم می‌توان بالزاک فرانسوی را نام برد که با نوشتن دوره‌ای از آثار خود با نام «کمدی انسانی» تأثیر به‌سزایی در تاریخ ادبیات جهان بر جای گذاشت. از نویسندگان بزرگ رنالیسم همچنین می‌توان از چارلز دیکنز، هنری جیمز، لئوتولستوی، داستایفسکی و ماکسیم گورکی نام برد که آثار آنان در تأثیرگذاری بر فلسفه هنر قرن بیستم همچنان پیشگام هستند. برای شناخت آثار این بزرگان توصیه می‌کنم با صبر شکیبایی اثری همچون «جنگ و صلح» را خوانده و به این توجه کنید که چگونه نویسنده‌ای همچون تولستوی به تماشا و تشریح بی‌ظن واقعیت و امر واقع می‌پردازد که از هر گونه قضاوت احساسی عاری است. از دیگر آثار این دوره می‌توان به «بابا گوریو»، «آرزوهای بزرگ» و «برادران کارمازوف» اشاره کرد. در یادداشت شماره بعد به بررسی دو شاخه ادبی تأثیرگذار بیرون آمده از دل رنالیسم خواهیم پرداخت و اینکه چگونه آثار نوشته شده در دوره رنالیسم، گفتگویی انتقادی و فلسفی را شکل می‌دهد.



پیشاهنگ و پیشگام با کوله باری سنگین بر دوش

یوسف بینا

دکتری زبان و ادبیات فارسی ۹۳



تدریس در هنرستان صنعتی تهران، تدریس زبان آلمانی در آموزشگاه‌های شهرهای مختلف، استادی و تأسیس گروه ایران‌شناسی و زبان فارسی در دانشگاه هومبولت، فرهنگ‌نویسی مشارکت در تدوین لغت‌نامه فارسی به آلمانی در کشور آلمان، معرفی بخشی از تاریخ معاصر ایران به آلمانی‌ها (در قالب تألیف کتاب‌هایی به زبان آلمانی از جمله «مبارزات ایران» و «تاریخچه تحول ادبیات فارسی نوین») و... را در کارنامه فرهنگی خود دارد.

نگاهی اجمالی به این فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و البته ادبی در زندگی بزرگ علوی، فارغ از قضاوت‌هایی که ممکن است درباره نتایج فعالیت‌های او داشته باشیم، از یک سو عظمت شخصیتی وی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر به ما می‌فهماند که تجربه عظیمی از زندگی بر دوش او بوده و همین تجربه عظیم باعث شده است جهانی بی‌ظن در داستان‌های او خلق شود و با روایت رشک برانگیز از قلم جادویی او به سوی جاودانگی پیش برود. این همان خصلتی است که فقدان آن در میان نویسندگان کوچک و بزرگ زمانه ما به شدت احساس می‌شود؛ نویسندگانی که می‌بینیم، آثارشان را می‌خوانیم و می‌فهمیم که همه آن‌ها از نظر تسلط به تکنیک‌های نویسندگی بسیار موفق هستند اما به نظر می‌رسد که از نظر حکمت‌اندوزی و کشیدن بار سنگین زندگی کنش‌گرانه و مسئولانه بسیار فقیر بوده‌اند و در نتیجه آثارشان جهانی به شدت خشک‌وخالی و گاه به مراتب مبتذل‌تر از جهان واقعی اطراف ما را عرضه می‌کنند.

کرده‌است. «ورق‌پاره‌های زندان»، «پنجاه و سه نفر» و «چشم‌هایش» مشهورترین آثار بزرگ علوی در میان داستان‌ها و رمان‌های منتشر شده اوست. اگر بخواهیم بهترین رمان‌های زبان فارسی را در چند عنوان نام ببریم، رمان «چشم‌هایش» در صدر نام‌ها یا دست کم جزء عناوین برتر خواهد بود. اگر بخواهیم یکی از خواندنی‌ترین روایات سیاسی معاصر را نام ببریم، ناگزیریم به کتاب «پنجاه و سه نفر» به عنوان نخستین گزینه ببنشینیم. اگر بخواهیم مهم‌ترین زندان‌نویس‌های داستانی زبان فارسی را نام ببریم، باز هم باید به سراغ آثار بزرگ علوی برویم و «ورق‌پاره‌های زندان» او را در نظر بیاوریم.

نکته خواندنی دیگر در زندگی بزرگ علوی، دوستی او با صادق هدایت و تشکیل گروه «ربعه» است. در زمان رضاشاه، گروهی از اساتید صاحب‌نام ادبیات و روشنفکران رسمی کشور از قبیل علی اصغر حکمت، سیدحسن تقی‌زاده، عباس اقبال آشتیانی، محمد قزوینی، سعید نفیسی و... با یکدیگر ارتباط مستمر و منسجمی داشتند و به گروه «سبعه» معروف بودند. بزرگ علوی نیز به همراه صادق هدایت، مجتبی مینوی و مسعود فرزاد با هم دوستی مستمر و ارتباط منسجمی برقرار کردند و در برابر آن گروه نخست، با رویکردی اعتراضی و طنزآمیز، خود را گروه «ربعه» نامیدند.

بزرگ علوی علاوه بر نویسندگی، ترجمه و فعالیت‌های مطبوعاتی، سیاسی و ادبی که به هر کدام از آن‌ها اشاره‌ای اجمالی داشتیم، فعالیت‌های فرهنگی دیگری از جمله معلمی در اداره معارف شیراز،

چند سطری همراه با فروغ شعر معاصر

یک پارادوکس هویتی می‌شود و به سمت مدرن شدن پیش می‌رود؛ اگرچه هنوز مدرن نشده و در سردرگمی به سر می‌برد. در اشعار فروغ در مجموعه دیوار، پناه بردن به خواب و بارقه‌هایی از پشیمانی نمود دارد. در مجموعه عصیان (۱۳۳۶)، نگاه انتقادی فروغ از زمین، متوجه آسمان می‌شود و در برابر آفرینش سرکشی می‌کند. زبان فروغ در سه مجموعه اسیر، دیوار و عصیان، زبانی پرخاشگر، جنسی و غیرهنری است. خود او پس از انتشار تولدی دیگر، صفت حماقت در بازه پیش از آن را به خود نسبت می‌دهد.

آشنایی با ابراهیم گلستان ذهنیت فروغ را تا حدی نسبت به مردان اصلاح می‌کند و رابطه فکری عمیقی میان این دو برقرار می‌شود. مجموعه تولدی دیگر (۱۳۴۲) فاصله بسیار زیادی با سه مجموعه پیشین فروغ دارد. در این مجموعه شاعری توانا با زبانی هنرمندانه خودنمایی می‌کند که اگرچه هم چنان با سنت فرهنگی مردسالار مبارزه می‌کند، اما بی‌تنش سخن می‌گوید و جهان بینی شاعرانه عمیقش را به رخ شعر و جامعه می‌کشد. آنچه فروغ را به «فروغ شعر معاصر» بدل کرده، پرواز او از شخصیت اول به شخصیت دوم است.

فروغ در ۲۳ بهمن سال ۱۳۴۵، ساعت ۱۶، در تصادفی کشته شد و این همانندی با شعری که با این مضمون دارد سبب حرف و حدیث‌های بسیاری درباره مرگ او شده است. آخرین اثر فروغ، «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» پس از مرگ او چاپ شده است؛

زهرا سالاری

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی ۹۶



فروغ فرخزاد، شاعری با شیطنت‌های خاص خود، در سال ۱۳۱۴ به دنیا آمد. پدرش ارتشی و مادرش به تمام معنا زنی سنتی و شرقی بود. ترکیب چنین زوجی شاید در تصویری که فروغ بعدها از مردان پیدا کرده، اثرگذار بوده است. در ۱۶ سالگی با پرویز شاپور که ۱۵ سال از او بزرگتر بود، ازدواج کرد. شاپور برخلاف پدر فروغ، مردی طنزپرداز بود و فروغ به طور ناخودآگاه در پرویز پدر آرمانی خود را جست‌وجو می‌کرد. طلاق از شاپور بعد از ۲ سال، در حالی که صاحب فرزند بودند و منع شدن فروغ از دیدن فرزندش توسط شاپور، در تکمیل تصویر ذهنی فروغ از مردان اثرگذار بود.

فروغ در سال ۱۳۳۱ ضمن انتشار اولین مجموعه شعر خود با عنوان «اسیر» در راستای مبارزه با مردسالاری، دو کار انجام داده است. اول اینکه فروغ در این مجموعه شعر از خط قرمزها عبور کرده است؛ یعنی صحبت از مضامین اروتیک به زبان زنان. فروغ بر این نظر بود که اگر صحبت از مضامین اروتیک بد است هیچ کس نباید از آن صحبت کند و اگر خوب است همه باید بتوانند از آن بگویند. دوم، ارائه تصویری نازیبا از مرد که در سراسر مجموعه اسیر، نمایان است. اشعار فروغ را در مجموعه اسیر، می‌توان نیمه سنتی ارزیابی کرد. فروغ در مجموعه دوم شعر خود یعنی دیوار (۱۳۳۵)، دچار

